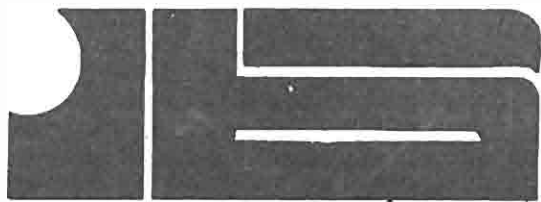


**مرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلقها**



**کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید**

**ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران**

شماره ۷۴ - قیمت ۲۰ ریال ۲۰ صفحه

((اكثریت))

سال دوم - چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۹

**باصلاح عادلانه در کردستان**

**پیکار علیه ایادی امپریالیسم امریکا  
ورژیم عراق را تحکیم بخشیم**

بدنبال توافقنامه‌ای که از سوی نمایندگان قوای مسلح ۱۹ تیرماه جاری به امضاء جمهوری اسلامی ایران و مقامات شهری مهاباد و صلح طلب کردستان و سراسر معتمدین شهر و نمایندگان ایران تلاش خود را برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بیش از پیش گسترش دادند. براساس اخبار رسیده بقیه در صفحه ۳

امپریالیسم امریکا، برای تهاجم علیه انقلاب مردم ایران نیروهای نظامی خود را در خلیج فارس متمرکز ساخته است

**ایران را گورستان امریکامی کنیم**

طی چند هفته اخیر، نقل و انتقالات نظامی امریکا در اقیانوس هند و آبهای خلیج فارس و دریای عمان گسترش بی سابقه‌ای یافته است. تعداد کشتی‌های جنگی امپریالیسم امریکا در آبهای جنوبی میهن ما به حدود ۳۰ فروند رسیده است که ناوهای عظیم هواپیما بر نیز در شمار آن است. خبرگزاری‌ها گزارش داده‌اند که چندین فروند کشتی جنگی حامل تفنگداران دریائی در آبهای دریای عمان مستقر شده‌اند. تفنگداران امریکائی کهنه‌کارترین واحدهای جنگی امریکاست که در جنگ با خلقهای سراسر جهان دارای تجارب و سوابق جنایتکارانه‌ای است که کشتارهای ویتنام یک نمونه از آن است.

امپریالیسم امریکا هیچ‌گاه این همه نیرو در اقیانوس هند و در آبهای ساحلی ایران متمرکز نکرده بود. مقامات امریکائی انکار نمی‌کنند که قصدشان از تمرکز این نیروها، مقابله با انقلاب ایران است. قشون کشتی امپریالیسم، صحت پیش‌بینی‌های سازمان ما را نشان می‌دهد. ما بارها هشدار داده‌ایم که امپریالیسم امریکا برای محاصره انقلاب و ارباب مردم ما به هر تلاش مذبوحانه‌ای دست خواهد زد.

امروز اقتصاد امپریالیستی در عمیق‌ترین رکود بحران حیات محض خود بسر می‌برد. سقوط اقتصاد امپریالیستی آن‌چنان آشکار و چاره‌ناپذیر شده است که کارتر رئیس جمهور امریکا پرده پوشی سقوط اقتصاد امریکا را عوام فریبی دیوانگانی چون "ریگان" می‌نامد سقوط اقتصاد امپریالیستی در بطن خود خصلت تجاوزگر و ماجراجویانه امپریالیسم را دامن می‌زند آن را وامی‌دارد که برای نجات خود از مرگ محتوم، عربان تر و آشکارتر از هوزمانی در مقابل انقلابات رهائی بخش خلقها و جنبش انقلابی کارگری، جنگال‌های خونبار خود را به تماشا بگذارد. دمکراسی ادعائی امپریالیسم، پوشالی بودن خود را آشکار می‌کند و دیکتاتوری خشن و عربان انحصارات به صحنه می‌آید. گرایش ذاتی امپریالیسم به میلیتاریسم شتاب می‌گیرد و سرشت پلید و تجاوزگر آن را عربان تر می‌کند و پرده‌های فریب و نیرنگی را که به نام دفاع از حقوق بشر در دشمنی و ضدیت با بشریت قرار دارد، به کنار می‌زند. امپریالیسم آنطور که هست، به نمایش بقیه در صفحه ۲

بمناسبت ۹ شهریور سالروز مرگ فرزندفدا کار خلق رفیق صمد بهرنگی؛

**امروز هر معلم انقلابی «صمد» دیگری است**

"مرگ الان خیلی آسان می‌تواند به سراغ من بیاید، اما من تا می‌توانم باید زندگی کنم. البته اگر روزی با مرگ مواجه شدم که می‌شوم، مهم نیست. مهم این است که زندگی یا مرگ من چه تاثیری در زندگی دیگران داشته باشد."  
در صفحه ۲ - (ماهی سیاه کوجولو - صمد بهرنگی)

**در این شماره:**  
گزارشی از دوشب آماده‌باش ضد کودتا باید بیاخواست! برای بازآوردن امپریالیسم یک دنیا کار وجود دارد. در صفحه ۱۳

بررسی قانون تشکیل شوراهای (صفت دوم) در صفحه ۷  
**بجای تحکیم شوراهای واقعی**  
شعار "شورا بی شورا" "قانونی" می‌شود  
کینه توزی آیت الله ربانی نسبت به انقلابیون کمونیست عملاً به جانبداری از خوانین فارس انجامیده است. در صفحه ۲۰

بمناسبت سالروز انقلاب بلغارستان؛  
**انقلاب بلغارستان**  
گسست حلقه دیگری از زنجیر سرمایه داری جهانی  
در صفحه ۸

تاکتیک  
بررسی قانون تشکیل شوراهای (صفت دوم) بجای تحکیم شوراهای واقعی شعار "شورا بی شورا" "قانونی" می‌شود. در صفحه ۷

«انحصاری و اجباری»  
"راه کارگر"  
در صفحه ۱۰

جنبش دهقانی ایران  
روستا یان "تبر" - اراک متحداً از: برای خود حمایت می‌کنند. در صفحه ۱۷  
محصولات کشاورزی «مغان» را: ییاداری نمی‌کنند؛ چرا دولت. در صفحه ۱۹

بارهنسودهای اتحادیه سراسری روستایی  
توکمن صحرا شوراهای دهقانی توکمن صحرا؛  
۱۱۰ هزار تن از ۳۱۱ هزار تن کندم خریداری  
دولت را تولید کردند  
در صفحه ۱۳

**بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را  
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم**

### ایران را گورستان امریکا...

در می آید: محضر، گنبدیده، انگل، تجاوزگر و خون آشام. همانند هیولائی که در اقیانوس خروشان انقلابات عصر ما با آخرین تلاشهای مذبحخانه به کام مرگ می رود و در این میان سوسیالیسم با طراوت و بالنده جهان را خرمی می بخشد و شادمانه در اختیار می گیرد.

به این ترتیب امپریالیسم که از هر سو با بیخاستن خلقهای جهان روبروست، در مقابل پیشرفت انقلابات رهایی بخش و جنبش انقلابی کارگران که سرود پیروزی سوسیالیسم را سرمی دهند، مذبحخانه می کوشد با جولان دادن ماشینهای کشتار، قدرت پوشالی خود را به نمایش بگذارد، تجاوزات تازه ای را تدارک بیند و خلقها را مرعوب سازد.

امپریالیسم دست به هرگونه ماجراجویی نظامی خواهد زد به ویژه اگر درک کنیم که حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم امریکا در منطقه برای اقتصاد در حال نابودی امپریالیسم جهانی از چه اهمیتی برخوردار است.

### تجربه

برادران!

من پاسدار بودم  
زمانی که مرا به کردستان فرستادند،  
گفتند:

به جنگ بیگانگان می روی،

به جنگ متجاوزین خارجی.

اما، من در آنجا، دهقانان کرد را دیدم

کارگران کرد را دیدم که تنگ بردوش داشتند!

بیچها و زنان را دیدم که

به بیگانه با نفرت می نگرستند

و آماده بودند

با بیگانه پیگار کنند

همانند من که آماده بودم

شا با بیگانگان

و دوستان بیگانگان پیگار کنم!

برادر!

هنگام که فرماندهان می خواهند ترا به جنگ بفرستند،

فکر کن!

از خود سؤال کن،

چرا؟ برای چه؟

به سود چه کسانی

و با چه کسانی در جنگم؟

برادر!

هنگام که فرماندهان ترا به کردستان می فرستند

از خود سؤال کن

ماسه را بدروی چه کسانی می چکانی؟

با بیگانگان

و دوستان بیگانگان پیگار کن!

و بدان که در کردستان

کارگران و دهقانان

فدائیان و هم پیمانان آنان

با بیگانگان

و دوستان بیگانگان پیگار می کنند!

برادر!

هنگام که فرماندهان ترا به جنگ برادرکشی می خوانند

بدان که ماسه را به روی چه کسانی می چکانی،

مباد که گلوله های تو آماج سینه های شود

که پرچمدار "شورا" هستند!

برادر!

وقتی فرماندهان ترا به جنگ برادرکشی می خوانند

بدان که همه فرماندهان از "شورا" در هراسند

زیرا وقتی "شورا" ها استوار گردد،

جائی برای فرماندهان نیست.

برادر!

فقط با بیگانگان و دوستان بیگانگان پیگار کن!

تجربه مرا باور کن!

من خود یک پاسدار بودم...

اقتصاد در حال سقوط امپریالیسم توان از دست دادن منابع نفتی، خلیج فارس و سرمایه گذاری های هنگفت خود را در خاورمیانه ندارد.  
انقلاب ایران نه تنها در کشور ما به این منافع ضربه زد بلکه با تأثیری که بر منطقه گذاشت، امپریالیسم را به شدت متوحش ساخته است. امپریالیسم امریکا برای حضور فعال تر در منطقه علاوه بر امکانات پیشین، امکانات جدیدی نیز دست و پا کرده است.  
امپریالیسم امریکا طی قراردادهائی با رژیم های دست نشانده مصر، جیبوتی و سومالی حق استفاده از پایگاه مصری راس بناس، بندرگاه جیبوتی و پایگاه دریائی بندر بربره را کسب نمود. این امکانات به امپریالیسم اجازه می دهد که ناوگان دریائی خود را در مدیترانه و غرب آسیا، به ناوگان مستقر در اقیانوس هند بیش از پیش مرتبط سازد. البته این حرکات، جزئی از طرح گسترده امریکا برای سرکوب همه خلقهای منطقه است. ولی وظیفه فوری آن مقابله با انقلاب ایران است.

بی اعتنائی به چنین خطری، عواقب مصیبت باری ببار خواهد آورد. تدارک امپریالیسم امریکا برای سرکوب خلقهای منطقه و به ویژه انقلاب ایران به آنچه که گفتیم محدود نمی شود.

علاوه بر آنچه که گفتیم، امپریالیسم امریکا در پایگاههای دریائی و هوائی مجمع الجزایر دریای یوگوسلاویا در اقیانوس هند، پایگاههای نظامی جزیره مصیره در سلطان نشین عمان، بندرگاههای بحرین و بندرگاه دهران در عربستان سعودی، در پاکستان، در کنیا و در پایگاههای نظامی در ترکیه نیز دست به نقل و انتقالات نظامی زده است. طبق اسنادی که در دست است، تمامی دولت های ارتجاعی منطقه از جمله عراق عربستان، امیرنشین های خلیج فارس، رژیم پاکستان، اردن و سودان از حرکات تجاوزکارانه امریکا حمایت خواهند کرد.

امپریالیسم امریکا پایبای سازماندهی جبهه ضدانقلاب در خارج از مرزهای میهن ما، جبهه ضد انقلاب داخلی را نیز سازمان داده است: زمین داران و سرمایه داران

بزرگ، خوانین و فئودال ها، سرمایه داران لیبرال، سلطنت طلبان، ساواکی ها، محافل لیبرالی و همه دوستان و جاسوسان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا نه تنها متشکل اند بلکه در اغلب موارد خود را با ساز و برگهای جنگی پیشرفته مسلح ساخته اند.

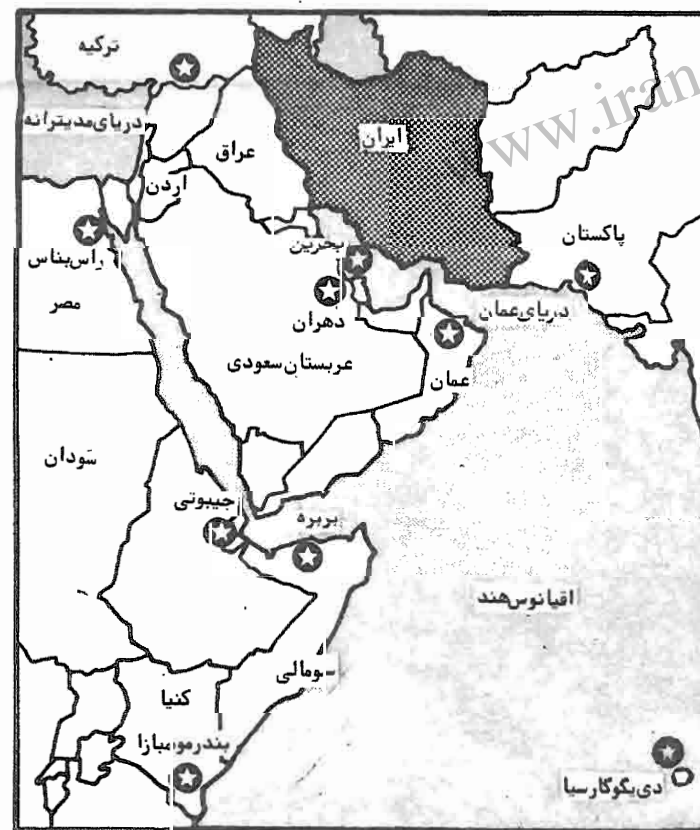
جبهه ضدانقلاب داخلی و خارجی هرچند در مقابل قدرت عظیم توده های میلیونی میهن ما قادر نخواهد بود که کاری از پیش ببرد، اما همچنانکه بارها گفتیم و هشدار داده ایم: "دشمن نتوان حقیر و بیچاره شردا" و این به معنی آن است که می باید از دشمن و امکاناتی که برای مقابله با آن در اختیار داریم ارزیابی عینی و واقعی داشته باشیم. در یک کلام باید دوستان و دشمنان انقلاب را بشناسیم.

امروز امپریالیسم در مصاف با پیکاری که سراسر جهان را در برمی گیرد، در حال نابودی است. توازن نیرو هیچ زمان تا بدین اندازه به سود نیروهای که خواهان استقلال، آزادی و سوسیالیسم هستند، نبوده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون نشان داده است که شناخت درستی از موقعیتها ندارد. این دولت با مخدوش ساختن مرز انقلاب و ضدانقلاب در عرصه داخلی و خارجی، انقلاب را با بن بستهای بزرگ روبرو ساخته و مردم ما را برای غلبه بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا در عرصه داخلی و خارجی از امکانات عظیمی محروم کرده است.

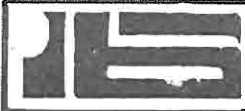
کینه توزی جمهوری اسلامی ایران نسبت به انقلابیون کمونیست که در جبهه داخلی به تخریب جبهه انقلاب می انجامد، در عرصه خارجی نیز او را از کشورهای سوسیالیست جهان که پشتیبان نیرومند انقلاب مردم ماست، دور می کند.  
امروز دفاع از استقلال میهن، دفاع از پیروزی های که تا کنون انقلاب ایران به دست آورده است، وظیفه فرد فرد مردم آگاه و مبارز ماست. در این پیکار سرنوشت ساز، انقلابیون کمونیست که همواره بارزترین نمونه میهن پرستی و جانبازی در راه آزادی و استقلال بوده اند، وظیفه های خطیر بردوش دارند. ما باید آنچنان که سنت انقلابی کمونیستها است: در هر گوشه میهن که هستیم، با تمام وجود، خود را برای مقابله با امپریالیسم و متحدان داخلی آن چنان آماده نگهداریم که هر لحظه قادر باشیم در صف نخستین نبرد با دشمن روبرو شویم و تهاجم امپریالیسم و مزدوران داخلی آن را به جشن پیروزی بدل سازیم. میهن ما که امروز به نیروی میلیون ها زحمتکش بیخاسته ایران به یکی از سنگرهای پر حماسه مقاومت در برابر امپریالیسم جهانی تبدیل شده است قطعاً همه تجاوزگران و دشمنان انقلاب ایران را به گورستان تاریخ خواهد فرستاد.

ما ضمن دعوت همه نیروهای ضد امپریالیست به اتحاد، باردیگر ضرورت مسلح ساختن توده های مردم و در راس آن کارگران و دهقانان را یادآور شده و از هراقدامی در این زمینه قاطعانه پشتیبانی می کنیم. بدون کوچکترین تردیدی ایمان داریم که در پیوندی استوار با مردم زحمتکش، ایران را گورستان امریکا می کنیم.



مراکز که امپریالیسم امریکا نیروهای نظامی خود را برای تهاجم علیه انقلاب مردم ایران، متمرکز ساخته است.

## مرگ پر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



## با صلح عادلانه در کردستان

# پیکار علیه ایادی امپریالیسم امریکا

## ورژیم عراق را تحکیم...

بقیه از صفحه ۱

عادلانه در کردستان را به مخاطره اندازد، سیاستی می‌دانیم که خواسته و ناخواسته در خدمت امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی و خارجی آن است. ما بار دیگر به دولت جمهوری اسلامی ایران هشدار می‌دهیم که مردم کردستان برای به دست آوردن حقوقی که بیش از نیم قرن است در راه آن مبارزه کرده و جان بهترین فرزندان خود را فدا کرده‌اند، از پای نخواهند نشست. ما تاکید می‌کنیم که راه حل مسئله کردستان جنگ نیست. مسئله کردستان می‌تواند و باید با مذاکره و تفاهم حل گردد. ما قاطعانه‌تر از هر زمان

دولت جمهوری اسلامی ایران با ایجاد جو تشنج و ناآرامی، زمینه هر اقدام صلح‌طلبانه‌ای را به شدت به مخاطره انداخت و بار دیگر نشان داد که بدون کوچک‌ترین احساس مسئولیتی نسبت به انقلاب مردم و مخاطراتی که مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان را تهدید می‌کند، خواهان تداوم جنگ برادرکشی در کردستان است.

ضمن دفاع از حقوق حق طلبانه خلق کرد که به اعتقاد ما باید در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران تحقق یابد، اعلام می‌داریم:

اگر دولت جمهوری اسلامی ایران خواهان جنگ برادرکشی در کردستان نیست بی‌درنگ همه اقداماتی را که به دشمنی و نقار ملی دامن می‌زند، متوقف کند و با نمایندگان مردم کردستان برمیانی طرح ۶ ماده‌ای وارد مذاکره شود. مسئولیت تداوم صلح در کردستان را می‌پذیریم و همه نیروی رزمندگی خلق کرد را هم‌چنانکه تا کنون به انجام رسانیده‌ایم، در جهت تلاشی کانون‌های مسلح ایادی امپریالیسم امریکا و رژیم عراق سازمان خواهیم داد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران-اکثریت مسئولیت دامن زدن به جنگ برادرکشی در کردستان را مستقیماً برعهده جمهوری اسلامی ایران دانسته و هر اقدام جنگ‌طلبانه را شدیداً محکوم می‌نماید.

نقده و جومه آن بیش از ۲۰۰ نفر از اهالی را بازداشت می‌نمایند.

در آشنوبه نیز عده زیادی از مردم را دستگیر کرده‌اند. در اطراف شاهین‌دژ مردم زیادی متواری شده و پاره‌ای از دهات در نتیجه اقدامات سرکوبگرانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از سکنه خالی شده است.

در تکاب نیز همانند شاهین‌دژ اکنون صدها آواره تکابی راهی شهر مهاباد و بوکان گردیده‌اند تا در اردوگاه‌های آوارگان که در این شهر وجود دارد، بهسر برند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران-اکثریت به جهت مسئولیت بزرگی که در پیشرفت انقلاب مردم ایران در شرایط حساس کنونی برعهده دارد، بار دیگر به دولت جمهوری اسلامی ایران هشدار می‌دهد و عواقب فاجعه‌باری را که سیاست جنگ برادرکشی جمهوری اسلامی ایران به بار می‌آورد متذکر می‌شود.

نیروهای سیاسی مترقی و مردم کردستان تلاشهای خود را برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بمنظور تحکیم صفوف خلقهای قهرمان ایران برای غلبه بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا هم‌چنان ادامه خواهند داد. این تلاشها که متوجه تقویت هرچه بیشتر مبارزه علیه ایادی رژیم عراق و امپریالیسم امریکا در منطقه است، جزئی از مبارزه خلقهای سراسر ایران برای رهایی از سلطه امپریالیسم و ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک است.

دولت جمهوری اسلامی باید بداند تداوم جنگ برادرکشی در کردستان خطری جدی برای حفظ یکپارچگی خلقهای قهرمان ایران است و ما هر سیاستی را که به گسترش جنگ برادرکشی در کردستان دامن زند و سیاست استقرار صلح

از مسئولین نظامی و دو نفر از پیشمرگان حزب دمکرات که توسط سپاه پاسداران ارومیه صورت گرفت، محیطی از تشنج و ناآرامی پدید آمد که مسئولیت مستقیم آن برعهده مقامات جمهوری اسلامی ایران است.

دولت جمهوری اسلامی ایران با ایجاد جو تشنج و ناآرامی زمینه هر اقدام صلح طلبانه را به شدت به مخاطره انداخت و بار دیگر نشان داد که بدون کوچک‌ترین احساس مسئولیتی نسبت به انقلاب مردم و مخاطراتی که مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان را تهدید می‌کند، خواهان تداوم جنگ برادرکشی در کردستان است. بدنبال ترور مسئول نظامی و پیشمرگان حزب

### دشمن نمونه خسروار

بدنبال تعرض پاسداران و ارتش به یکی از روستاهای کردتینین به نام عباس‌آباد، استاندار آذربایجان غربی طی سخنرانی در برابر مردم در ۲۱ مردادماه جاری تاکید می‌کند که در محل باید مسجد تازه‌ای ساخته شود.

مردم می‌گویند در اینجا دو مسجد وجود دارد. این کافی است. ما مدرسه راهنمایی نداریم، دستور بدهید برایمان مدرسه بسازند.

استاندار در جواب، ضمن پرخاش و توهین به مردم دستور می‌دهد که تمام منطقه عباس‌آباد را خانه گردی کنند!

دمکرات و بالاگرفتن محیط تشنج و درگیری سپاه پاسداران مستقر در مهاباد هرشب اقدام به تیراندازی بی‌مورد و ایجاد محیط رعب و وحشت می‌کند.

ستون اعزامی از ارومیه به مهاباد در مسیر حرکت خود چندین روستا را زیر آتش توپ و خمپاره گرفته و در

هلی‌کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی در شهرهای مهاباد و بوکان اعلامیه‌هایی پخش کردند که طی آن قطع حقوق کارمندان را به بهانه عدم وجود امنیت در این شهرها اعلام می‌داشت.

اقدامات تحریک آمیز یاد شده در جهت مخالفت با تلاشهای صلح‌طلبانه انقلابیون و مردم کردستان بود و به ایادی رژیم عراق و امپریالیسم امریکا امکان می‌داد که تبلیغات جنگ طلبانه خود را در میان مردم دامن زنند و از آن به سود منافع پلید خود بیشترین استفاده را به عمل آورند.

تلاش برای گشوده نگه داشتن چشم‌انداز صلح توسط انقلابیون کردستان منجر به اعزام هیئتی از طرف مردم به ارومیه گردید تا با استاندار آذربایجان غربی و فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه مذاکراتی صورت گیرد. هیئتی که از طرف مردم انتخاب و به ارومیه اعزام شده بود، در ملاقات با استاندار آذربایجان و فرمانده لشکر ۶۴ خواستهای مردم را به اطلاع مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران رساند تا با اجرای آن زمینه مساعد برای آغاز مذاکره و حل تفاهم‌آمیز مسئله کردستان هموار گردد. این خواستها عبارت بود از:

۱- سپردن امنیت شهر به شهربانی و ضابطین محلی  
۲- عدم استقرار ارتش و سپاه پاسداران در شهر که حضورشان موجب درگیری خواهد شد.

۳- عدم تردد افراد مسلح اعم از مردم یا نیروهای سیاسی

۴- لغو حکم قطع حقوق کارمندان

۵- برقراری ارتباط تلفنی مهاباد با سایر نقاط ایران

بدنبال توافقی که تازه‌ای که در این ملاقات صورت گرفت، نمایندگان مردم و انقلابیون تلاشهای صلح‌آمیز خود را گسترده‌تر ساختند که در این اثنا توطئه تروریستی

مردم کردستان در ادامه تلاشهایشان برای پیاده کردن طرح توافقنامه مورخ ۱۹ تیرماه، اجتماعاتی در فرمانداری مهاباد تشکیل دادند و طی قطعنامه‌ای ضمن پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران خواستار استقرار صلح عادلانه در کردستان شدند.

در پیگیری تلاشهای صلح طلبانه، ملاقات‌هایی بین نمایندگان مردم مهاباد و فرمانده پادگان مهاباد و معاون سیاسی استاندار در شهر مهاباد صورت گرفت. در تمامی این ملاقات‌ها ضرورت استقرار صلح عادلانه در کردستان به منظور تحکیم وحدت خلقهای

اگر دولت جمهوری اسلامی ایران خواهان جنگ برادرکشی در کردستان نیست، بی‌درنگ همه اقداماتی را که به دشمنی و نقار ملی دامن می‌زند، متوقف کند و با نمایندگان مردم کردستان برمیانی طرح ۶ ماده‌ای وارد مذاکره شود.

ایران در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و ایادی رژیم عراق توسط نمایندگان مردم مورد تاکید قرار گرفت. در این میان جمهوری اسلامی ایران علیرغم چشم‌اندازهای روشنی که در نتیجه کوششهای پیگیرانه انقلابیون و مردم کردستان برای استقرار صلح عادلانه فراهم آمده است هم‌چنان به اقداماتی متوسل می‌شود که حاصلی جز شادکامی امپریالیسم امریکا و ایادی رژیم عراق بدنبال ندارد.

از جمله در همان اثنا که مذاکرات صورت می‌گرفت، به دستور مقامات جمهوری اسلامی ارتباط تلفنی مهاباد با سایر نقاط ایران قطع گردید و پس از ملاقات نمایندگان مردم با معاون سیاسی استاندار،

آقای بنی صدر به این سئوال شوراها پاسخ دهد:

## «مبارزه ضد امپریالیستی را در چه می بیند؟ در انحلال شوراها یا در تصفیه مدیران؟»

اجتماعی، صنایع و معادن و... بسیاریند. (مسئله تنها در تعدادشان نیست بلکه بر سر شرایط و امکانات فعالیت و رشدشان است.)

عناصر ضدکارگری چون احمدزاده‌ها، صدرها و... از اینگونه همکاران "مسئول" در پست‌های حساس، کم ندارند و از آن مهم‌تر آنکه درصددند مدیریت را تا این اندازه مشکوک و ضدانقلابی را به قیمت انحلال و ازهم پاشاندن شوراها تثبیت نمایند. چرا؟ چون شوراها محل نظم و اداره تولیدند آیا شوراها تولید را مختل می‌کنند؟ آیا شوراها مبارزه ضدامپریالیستی را مانع می‌شوند؟ بله! اگر پرچم مبارزه ضدامپریالیستی میهن ما در دست مدیران ساواکی باشد، آری! شوراها مزاحم اخلاق‌گردان! کارگران وقتی که به دستاوردهای مبارزاتی شوراهای شان می‌نگرند، وقتی که با احکام و مصوبات مشکوک مدیران دولتی برخورد می‌کنند، وقتی که ادعاهای واهی صدرها، نعمت‌زاده‌ها و احمدزاده‌ها را در "دفاع" از منافع کارگران با توطئه‌های از هم پاشاندن شوراها (در عمل) می‌سنجند، و این همه را با مفهوم شعار "شورا بی شورا" مقایسه می‌کنند، خیلی می‌دهند، به اعتبار رمیسیونها رأی که به بنی صدر داده‌اند، از او بپرسند:

شما مبارزه ضد امپریالیستی را در چه می‌بینید؟ در از هم پاشاندن سنگر شوراها یا در تصفیه انقلابی مدیران مزدور؟

تولید و پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی را می‌توان تضمین کرد؟ اینها را همکار مسئول آقای هسته‌ای یعنی احمدزاده، وزیر صنایع و معادن و "پرچمدار مبارزه ضدامپریالیستی" باید پاسخ دهد.

مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی خوزستان، (که او هم تا چند روز پیش در پست مدیرکلی اش انجام وظیفه می‌کرد) از مامورین فعال ساواک در خصوص مسائل کارگری بود. این مدیرکل مزدور رژیم گذشته مشخصا مسئول طرح توطئه‌های ضد کارگری در اداره کار بود. تخصص او در از هم پاشاندن تشکلهای کارگری است. تخصصی که توانست (تا همین چند روز پیش) در جهت از هم پاشاندن تشکلهای توده‌ای (شوراها) موثر افتد. چنین مهارت‌ها و تخصص‌هایی بدون شک زیر شعار "شورا بی شورا" کاربرد مطلوبش را می‌یابد. آقای بنی صدر بدانند که شعارهایش به چه "استعداد"هایی مجال شکوفائی می‌دهد. از این نمونه‌ها در وزارتخانه‌های کار و امور

ضدکارگری - حاکم بر وزارتخانه‌های کار، صنایع و معادن و... است. سیستمی که به مدیران ضدانقلابی بسیاری مجال توطئه - چینی‌های ضدکارگری فعالانه‌ای را می‌دهد که ذیلاً نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم:

معاون وزیر صنایع و معادن مسعود هسته‌ای (که تا چند روز پیش در مقامش باقی بود) از عوامل موثر ساواک بود. این فرد طی دوره "مسئولیتش" (که چیزی جز ماموریت از هم پاشاندن شوراها نبود) متجاوز از ۳۰۰ مدیر برای اداره واحدهای دولتی معرفی نمود. مدیرانی که توسط او و یا به توصیه او به کار گمارده شدند. یک عنصر ساواکی، چه کسانی را برای اداره پست‌های حساس (مدیریت واحدهای بزرگ تولیدی) مامور می‌کند؟ سرنوشت واحدهای بزرگ صنعتی در دست چه کسانی است؟ آیا این ۳۰۰ مدیر و مدیرانی نظیر آنها می‌خواهند افزایش بهره‌وری تولید و مبارزه با محاصره اقتصادی را تضمین کنند؟ آیا بدون تصفیه انقلابی اینگونه مزدوران، افزایش

"سنگری" که زیر پرچم "شورا بی شورا" با تشکلهای توده‌ای کارگران و زحمتکشان مبارزه می‌کند. وزارت صنایع و معادن، وزارت کار و مدیریت سازمان گسترش از "سنگرهای" مقدم جبهه ضدشورائی و ضدکارگری مدیران دولتی‌اند. آنها می‌کوشند با انحلال تدریجی شوراها (از طرق مختلف) زمینه‌های عینی لازم را برای قانونی کردن شعار "شورا بی شورا" فراهم آورند و قانون مربوط به ضوابط تشکیل شوراها (مصوبه شورای انقلاب) را در عمل پیاده کنند.

وزارت کار، صنایع و معادن و... کانون و سنگر مدیران ضدکارگری است که چنین رسالت "خطیری" را جهت پیشبرد مبارزه با امپریالیسم (به قیمت ازهم پاشاندن سنگرهای واقعی مبارزه ضدامپریالیستی) بر دوش دارند.

کارگران باید بدانند که در مبارزه‌شان برای تحکیم سنگر شوراها و پیشبرد مبارزات کارگری و ضد امپریالیستی، با چه موانعی مواجه‌اند. یکی از مهم‌ترین این موانع سیستم مدیریت

دولتی است که وزارت صنایع و معادن و مدیریت سازمان گسترش و نوسازی صنایع زیر شعار "شورا بی شورا" بنی‌صدر بطور مستقیم و یا غیرمستقیم به انحلال شوراهای کارخانجات و واحدهای بزرگ دولتی کمر بسته‌اند که انحلال شورای اسلامی صنایع نفت اهواز، اتحادیه اسلامی سازمان گسترش و نوسازی صنایع، شوراهای اسلامی کارخانجات ارگ، تبریز و... وابسته به سازمان گسترش، از آن جمله‌اند. این شوراها منحل می‌شوند تا دست مدیران دولتی در اداره واحدهای تولیدی و اقتصادی کشور باز باشد و دیگر اختلالی در تولید پیش نیاید. چون شوراها مختل‌کننده نظم تولید و مانع پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی مدیران دولتی‌اند! اینهاست اساس استدلال‌ات عناصر ضدکارگر و عوام‌فریبی چون احمدزاده، وزیر صنایع و معادن و صدر معاون اجرائی سازمان گسترش و... و اینکه شوراها چه هستند؟ کارنامه‌شان چیست؟ محصول و دستاورد چه شرایطی هستند؟ اینکه شوراها در مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها چه جایگاهی دارند، بحث ما نیست و چکیده پرسش‌های ما را توده کارگران و زحمتکشان در شعار "در سنگر شوراها، نبرد با امریکا" بارها و بارها با بانگ بلند پاسخ داده‌اند. در اینجا می‌خواهیم کمی درباره "سنگر مدیران" و "نبردش" با امپریالیسم بحث کنیم.



هوداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - (اکثریت) هنگام برداشت محصول در یکی از روستاهای حومه تبریز. آنان در هر عصرهای به پیگار با امپریالیسم امریکا برخاسته‌اند. آنان استوار در راه پیوند با کارگران و دهقانان گام برمی‌دارند.

### بیشترین مالیاتها را چه کسانی می‌پردازند

آمار سال ۵۸ نشان می‌دهد که:

- مجموع مالیات پرداختی شرکتهای خصوصی، مستغلات، بهره و ثروت سرمایه‌داران ۲۴٪ کل مالیاتها را تشکیل می‌دهد.
- در حالیکه
- مجموع مالیات پرداختی کارگران و زحمتکشان ۴۷٪ کل مالیاتها را تشکیل می‌دهد.

یعنی سرمایه‌داران که بخش عظیمی از ثروت اجتماعی را تصاحب می‌کنند، تنها مالیاتی برابر با نصف کارگران و زحمتکشان می‌پردازند. دولت بجای آنکه به سوده‌های حیرت‌انگیزی که کارخانه‌داران و تجار "محترم" بازار به جنگ می‌آورند، مالیات ببندد، هر روز بر مالیاتها و بر قیمت‌های ضروری زحمتکشان مانند سیگار، گوشت، نان و... می‌افزاید.

ما می‌گوئیم:

اگر دولت ادعای دفاع از منافع "مستضعفین" را در مقابل "مستکبرین" دارد، می‌باید مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم را که بر کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است، حذف و با کاهش داده و بجای آن بیشترین مالیات را از سرمایه‌داران و ثروتمندان دریافت دارد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

گسترده باد همگامی و همکاری  
همه‌نیر و هائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند



## گرانی دردبی درمان سرمایه‌داری

# تأثیر بودجه ۱۳۵۹ بر مسئله گرانی و بیکاری

همچنان که دیدیم، عدم همسوئی بودجه‌های که نمایندگان سرمایه‌داری در حاکمیت (دولت بازرگان) برای بازسازی اقتصاد وابسته ایران تدوین کرده بودند و به تصویب شورای انقلاب رسانیده بودند، با منافع جناح خرده‌بورژوازی حاکم سبب شد که بودجه ۱۳۵۸ بطور کامل تحقق نیابد. نیمی از طرح‌های عمرانی که درجهت تسهیل رشد و بازسازی سرمایه‌داری وابسته تدارک دیده شده بود، انجام نیافت. کسری بوجه فزون‌تر از آن شد که پیش‌بینی شده بود. تورم دامن‌زده شد و مسئله بیکاری همچنان برجای ماند و دولت نتوانست آنچنان که خواست و انتظار زحمتکشان است، بحران اقتصادی را درجهت نفع سرمایه‌داری وابسته از سر بگذراند و به امکانات تولیدی و رفاهی جامعه بیفزاید.

جناح ضدامپریالیست در حاکمیت، در سال ۱۳۵۸ در نتیجه اوج‌گیری مبارزات ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکشان توانست قدرت هرچه‌بیشتری در حاکمیت به‌دست آورد و نمایندگان سرمایه‌داران را در حاکمیت به عقب نشینی وادارد. با این حال، بودجه‌ای که برای سال ۱۳۵۹ به تصویب رسیده‌است، تفاوتی اساسی با بودجه سال گذشته ندارد. بحران اقتصادی هم چنان پای‌برجاست، تورم هم چنان بیداد می‌کند و بیکاری خانمانسوز هم چنان زندگی میلیون‌ها نفر را در جامعه ما به تباهی کشانده‌است و آنگاه که فشار توده‌ها برای تأمین کار و مسکن، نان و گوشت چون موجی در مقابل حاکمیت قرار می‌گیرد، در حالیکه نمایندگان سرمایه‌داران زیرکانه و با نیشخند، اجتناب‌ناپذیری نظام سرمایه‌داری وابسته و نظم سرمایه‌داری را پیش می‌کشند، جناح ضدامپریالیست حاکمیت که دست بالا را دارد، سرگشته و درمانده بجای نان و گوشت و کار و مسکن، صفای دل، خلوص‌نیت و مکتب آسمانی خود را به توده‌های محروم و زحمتکش حواله می‌دهد.

بودجه دولت برای سال ۱۳۵۹ مانند بودجه سال گذشته، بخش عظیمی از تولید اجتماعی را به خود اختصاص می‌دهد. بودجه سال ۱۳۵۹ ۲۸۴۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شده‌است. این رقم به‌حدی بزرگ است که ابعاد آن در ذهن نمی‌گنجد. بزرگی این رقم را بدین ترتیب بهتر می‌توانیم بسنجیم که بگوئیم به ازای هر زن و مرد و کودک ایرانی ۸ هزار تومان و به ازای هر خانواده ۵ نفری، ۴۰ هزار تومان در سال در اختیار دولت قرار دارد (یعنی دولت به ازای هر خانواده پنج‌نفری ماهی متجاوز از ۳ هزار تومان خرج می‌کند) بزرگی رقم بودجه بخودی‌خود مسئله‌ای نیست. باید ببینیم که این بودجه از چه منابعی تأمین می‌شود و مخارج آن به کجا می‌رود؟

درآمد بودجه ۱۳۵۹

بودجه امسال نیز مانند بودجه سال گذشته

اساساً بر درآمد نفت متکی است. ۷۲٪ از درآمد بودجه دولت قرار بوده است از درآمد نفت تأمین گردد و تنها ۱۷٪ آن از طریق مالیات‌ها به دست می‌آید.

در مقاله پیشین نشان دادیم که فشار بار مالیات‌ها بردوش کدام طبقات اجتماعی قرار دارد. دیدیم که در حالی که سرمایه‌داران بخش اندکی از مالیات‌ها را می‌پردازند، کارگران و زحمتکشان شهر و روستا بطور مستقیم یا غیر مستقیم بار سنگین مالیات‌ها را برعهده دارند. بد نیست ببینیم در بودجه ۱۳۵۹ این بار سنگین دچار چه تغییری شده است. در زیر مقدار و درصد افزایش مالیات پیش‌بینی شده برای هر یک از اقلام مالیاتی را برای سال جاری می‌بینیم:

مالیات بر:	مقدار مالیات میلیارد ریال	درصد افزایش مالیات ۱۳۵۹ نسبت به مالیات ۱۳۵۸
شرکتهای خصوصی	۴۰	۱۱٪ کاهش
حقوق مشاغل	۹/۲	۱۰۰٪ افزایش
مستغلات بهره ثروت واردات مصرف و فروش	۴/۰ ۰/۲ ۱۱/۷ ۱۰۵/۴ ۶۴/۷	۱۱٪ افزایش ۵۱٪ کاهش ۱۷٪ کاهش ۱۵٪ افزایش ۹٪ افزایش
جمع	۳۰۷/۴	۱۹٪ افزایش

جالب توجه است که دولت نزدیک به دو برابر آنچه از شرکت‌های سرمایه‌داری مالیات می‌گیرد از مزد و حقوق کارگران و کارمندان به خزانه خود می‌ریزد و در بودجه ۱۳۵۹ نسبت به بودجه ۱۳۵۸ در حالی که از شرکت‌های سرمایه‌داری ۱۱٪ و از محل مالیات بر ثروت ۱۷٪ کمتر مالیات دریافت می‌کند، مالیات بر مزد و حقوق کارگران و کارمندان را ۱۰۰٪ افزایش می‌دهد. مالیات بر مستغلات که رقم ناچیزی در مالیات‌ها بود، ۱۱٪ نسبت به سال گذشته کاهش می‌یابد و مالیات بر بهره که در سال‌های گذشته نیز رقمی قابل حساب نبود، برای سال ۵۹ به نصف سال گذشته می‌رسد. نزول خواران شهری و روستائی، سرمایه‌داران سفته‌باز و دارندگان سپرده‌های بزرگ در بانک‌ها هنوز هم بخش عظیمی از محصول اجتماعی جامعه ما را تصاحب می‌کنند.

سرمایه‌داران بهره‌گیر هنوز هم برقرارند و از آشفتنی بازار بحران‌زده اقتصاد وابسته میهنمان بهره می‌برند. مالیات بر واردات و بر مصرف و فروش که مالیاتی است غیر مستقیم بر خریداران محصولات گوناگون از نفت و بنزین و سیگار گرفته تا هر قلم کالایی که از خارج وارد می‌شود یا جزئی از اجزای آن ساخت خارج است، در سال ۱۳۵۹ بیش از نصف کل مالیات‌های دولت را تشکیل می‌دهد و نسبت به سال گذشته

۱۳٪ افزایش یافته است. همانطور که در شماره‌های گذشته گفتیم، بار سنگین مالیات‌های غیرمستقیم بر دوش کارگران و زحمتکشان شهری و روستائی میهن ماست.

خلاصه بگوئیم در حالی که در سال گذشته مالیات بر شرکت‌های خصوصی، مستغلات، بهره و ثروت که می‌توان مجموع آن را مالیات بر سرمایه‌داران به حساب آورد، تنها ۲۴٪ از کل مالیات‌های دولت بوده است. رقم پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۵۹ بازم درصدی کمتر از آن یعنی ۱۸ درصد است. آری! ما می‌دانیم که سیاستمدارانی که علی‌رغم "نیت پاک" و تمایلاتشان پایشان هر روز بیشتر در پوست گردوی نظام سرمایه‌داری وابسته گیر می‌کند، خواهند گفت که جز این چاره‌ای نیست! سرمایه‌داران در سال گذشته سودی نبرده‌اند تا از آنان مالیاتی بگیریم و در سال آینده نیز انتظار نمی‌رود که آنان سودی در حد سال گذشته ببرند.

جمعی از اینان همان کسانی هستند که سرانجام بر سیاست قطع پرداخت سودویزه" به کارگران صحه گذاردند. اگر سرمایه‌داران سود نمی‌برند، پس چه کسانی هستند که از گرانی روز-افزون بهره‌مند می‌شوند؟ بی‌شک کارگران و زحمتکشان میهن ما هیچگاه جز رنج و گرسنگی از گرانی بهره‌ای نبرده‌اند. ما می‌گوئیم که این دست‌های "غیبی" که از گرانی بهره‌مند می‌شوند کارخانه‌داران، تجار و دیگر سرمایه‌دارانی هستند که در آشفته‌بازار بحران سرمایه‌داری وابسته ایران سودهای حیرت‌انگیز می‌برند.

## مخارج دولت در بودجه ۱۳۵۹

بودجه ۱۳۵۹ فاقد هرگونه برنامه‌ای اساسی برای متحول ساختن نظام سرمایه‌داری وابسته ایران و مبارزه با وابستگی است. تنها سیاست قابل توجه دولت، افزودن به اعتبارات کشاورزی و کوششی بی‌ثمر درجهت رشد دادن به صنایع کوچک بوده است. این سیاست‌ها که بدون ایجاد تحولی اساسی در اقتصاد سرمایه‌داری وابسته ایران دنبال شده‌است (بدون تغییری بنیانی در ساخت صنعتی کشور) نتوانسته است راه به جایی برد (درباره این سیاست‌ها در مقاله‌هایی درآینده بطور مفصل صحبت خواهیم کرد).

بودجه ۱۳۵۹ بدین ترتیب، با بودجه سال گذشته تفاوت عمده‌ای ندارد. تنها برخی از اقلام کم و زیاد شده‌اند. حفظ و بازسازی ارتش، شهرداری و ژاندارمری همچنان بخش بزرگی از مخارج دولت را تشکیل می‌دهد و به ۵۱۷ میلیارد ریال می‌رسد. یعنی این‌که به ازای هر خانواده ۵ نفری ایرانی در سال جاری، ۷۴۰۰ تومان خرج "امور نظامی و امنیتی" می‌شود. در صورتی که سهم هر خانواده ۵ نفری ایرانی از مخارج دولت برای آموزش و پرورش، فرهنگ و هنر، بهداشت، درمان و تغذیه، تأمین رفاه اجتماعی، تربیت بدنی، عمران شهر و روستا، مسکن و غیره، تنها ۵۶۰۰ تومان است و این علی‌رغم افزایشی است که در بودجه سال جاری برای آموزش و پرورش بهداشت و بهزیستی و مسکن منظور شده است.

هزینه جاری دولت، همچون سال گذشته بیشتر بودجه دولت را به خود اختصاص می‌دهد (۶۴ درصد) و این علی‌رغم کاهش است که در سال گذشته در حقوق و مزایای کارمندان بوجود آمده است. هزینه حقوق کارمندان دولت که در سال گذشته ۶۳۰ میلیارد ریال بوده‌است (۵۵٪ هزینه

بقیه در صفحه ۱۴

گسسته با دهه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی،  
فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امریکا

# جنبش کارگری ایران

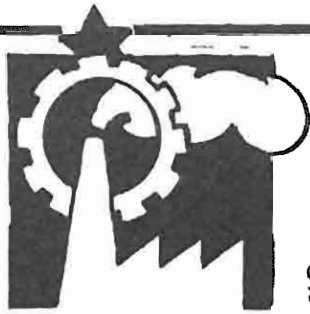
بررسی قانون تشکیل شوراها؛ (قسمت دوم)

بجای تحکیم شوراها و واقعی شعار

"شورای شورا" قانونی می شود در صفحه ۷

توطئه امپریالیستی اخلاص در تحویل مواد اولیه  
کارخانجات نساجی و در خطر رکود قرار داده است

در صفحه ۱۵



## در کارخانه کفش ملی

### پس از ملی شدن

### چه گذشته است؟

گروه صنعتی ملی که ۱۲۰۰۰ کارگر و کارمند دارد دارای کارخانجات متعددی در تهران، رودبار، مشهد و تبریز است. کارخانجات گروه صنعتی ملی از جمله کارخانجاتی بود که هه ساله میلیون ها تومان سودخالص را به جیب سرمایه داری وابسته ای مثل ایروانی و دار و دستاش سرازیر می کرد طی قیام و پس از آن، عناصر وابسته و مزدور فراری شدند و چند ماه بعد این کارخانجات با تلاش و مبارزه پیگیرانه کارگران ملی اعلام شد. پس از ملی شدن کارخانه، دولت بازرگان یک هیئت مدیره ۵ نفره را مأمور اداره آن نمود. مهاجرانی رئیس هیئت مدیره از روز اول کار این هیئت، به بازسازی سیستم گذشته مشغول شد و با استخدام دوستان و خویشاوندان قدیمی اش که همگی از سرسپردگان خوش خدمت رژیم گذشته بودند، به تضعیف شورا پرداخت. این افراد اکثرا دارای سوابق همکاری با ساواک بودند و به همین دلیل نیز بارها از طرف شورا و کارگران افشاء شدند. مثلا فردی به نام هویدی که مدیر شرکت سانترال شده بود، قبلا مدیرکل مخابرات خوزستان بود که به علت ساواکی بودن و دزدی و اختلاس توسط شورای اسلامی مخابرات از خدمت منصرف شده است.

هر کسی که خواسته، قرار داده است. مخصوصا به کارخانجاتی که صاحبانش فرار کرده و ملی اعلام شده اند، مدیرانی برای اداره آنها اعزام نموده که اصلا نداشته و ندارند... عجیب است اگر بشتوید که مسئول حزب رستاخیز یعنی محمد میریلوکی ضمن رفت و آمد برای تسویه حساب ۵۰ هزار تومان به عنوان علی الحساب دریافت نموده و تمام پول خود را درخواست کرده است. ببینید بی شرمی تا چه حد است!!

کارگران و کارمندان مبارز گروه صنعتی کفش ملی باید پیش از پیش با قاطعیت و پیگیری انقلابی در جهت افشاء و تصفیه مدیران و کارکنان ضدانقلابی و لیبرال تلاش نمایند و اجازه ندهند که این عوامل مزدور و سازشکار پس از گذشت ۱۹ ماه از قیام شکوهمند مردم، همچنان به غارت و سودجویی و توطئه چینی های خود ادامه دهند. کارکنان مبارز کفش ملی باید با افشاء و تصفیه انقلابی این مزدوران و مسئولین ضدانقلابی و سازشکاری که آنان را در این پستها ابقاء کرده اند، وظایف انقلابی خطیری را که بنوبه خود در حفظ و تدوام دستاوردهای انقلابی میهن دارند، مسئولانه ادا نمایند.

از دیگر اقدامات ضد انقلابی مهاجرانی، سعی و تلاش او در ابقای سیستم حسابداری قدیم است که این سیستم بر مبنای حساب سازی های جعلی و دزدی های کلان استوار بوده است. حسابداران ایروانی در حال حاضر مدیرکل امور مالی شده اند، مانند پروتویا، مأمور خرید سابق که هنوز بر سر کار است و اجناس نیز به وسیله شرکت ایروانی ترخیص می شود.

اجحاف، دزدی و خیف و میل در این گروه صنعتی بسیار زیاد است بطوری که کارگران طی بیانه ای که در روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۸ مرداد ۵۹ درج شد، نوشتند:

"تمام مسئولین که برای شرکت انتخاب شده اند همه طاغوتی هستند. خود آقای احمدزاده وزیر صنایع و معادن، این وزیر غیرمکتبی برگزیده ملی گرایان، از روزی که به این سمت منصوب شده صنایع کشور را در تیول

مدیران ساواکی را از زیر ضربه شورا و کارگران نجات داد، بدین ترتیب که این مدیران مزدور و ضدکارگر که در لیست افراد اخراجی کارخانه بودند و شورا رسماً آنان را اخراج کرده بود، به کمک سمعی توانستند استعفا دهند و با مبالغ کلانی باز خرید شوند (به عنوان نمونه: مالکی با ۵۱۰ هزار تومان، ساسانی با ۳۵۰ هزار تومان، پارسا با ۴۰۰ هزار تومان را می توان ذکر کرد) این گونه باز خرید ها در شرایطی صورت می گیرد که کارگران برای گرفتن ۵ هزار تومان وام باید ۶ ماه در نوبت باشند. کارگران مبارز کفش ملی می گویند:

معلوم است درآمد کارخانه چه می شود و کار از کجا خراب است. با دادن این گونه پول ها به این عناصر مزدور، نه حقوق کارگران تامین می شود و نه پولی برای خرید مواد اولیه و راه انداختن کارخانه باقی می ماند."

با این وصف مهاجرانی پس از افشاء شدن او نیز به شدت از هویدی حمایت می کرد و توانست تا مدتها بعد او را بر سر پستاش نگهدارد تا اینکه کارگران وی را بیرون انداختند. شخص دیگری به نام سمعی که به عنوان "وکیل حقوقی گروه" استخدام شده بود، نیز از اخراجی های وزارت مسکن و جزو عناصر ساواک بوده است.

با در نظر گرفتن اینکه هیچ ساواکی و مزدوری از شرکت تصفیه نشده است، به جرئت می توان گفت که کفش ملی از جمله واحدهای تولیدی است که بعد از قیام بیش از زمان شاه مزدور، کارکنان و مدیران ساواکی در استخدام خود داشته است. حال ببینیم عملکرد این مزدوران و مدیران لیبرال چه بوده است؟

سمعی که وکیل گروه صنعتی (و در واقع وکیل مدیران ساواکی و مزدور) بود با توسل به حقه های حقوقی

## کارگران مبارز «آتی ساز»

در برابر توطئه کارفرما،

### شورا را تحکیم می بخشند

اطلاعیه کارگران شرکت ساختمانی آتی ساز:

" ما کارگران شرکت ساختمانی چکش، وابسته به بنیاد علوی که اخیر به نام آتی ساز (شرکت) پروژه های ساختمانی شروع به کار کرده است، پس از آنکه شورای واقعی خود را در شرکت آتی ساز تشکیل دادیم، کارفرمای این شرکت به اقدامات ضد کارگری گوناگون متوسل شد تا صفوف یکپارچه بقیه در صفحه ۱۵"

## نامه ای از یک رفیق کارگر تراشکار به کار

من یک کارگر تراشکار هستم و هوادار سازمان، که مرتباً ارگان سراسری سازمان یعنی نشریه کار را می خوانم و در جهت عملی کردن رهنمودهایش گام برمی دارم ایمان دارم که سازمان پرافتخار ما، انقلابی ترین و پیشروترین نیروی است که در جهت انسجام بخشیدن به مبارزات انقلابی کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان گام برمی دارد و با تمام توان و نیروی انقلابی اش، از طریق بردن آگاهی به میان مردم، در جهت برانداختن هرگونه ظلم و بیدادگری نظام کثیف استثمارگر سرمایه داری که با به کار گرفتن نیروی ما، طبقه کارگر و زحمتکش، زالوصفتانه از خون ما مکیده و دسترنج ما را به یغما می برد، تلاش می کند برای اینکه بتوانم در این هدف بزرگ، سازمان را یاری رسانم، علاوه بر بکار

بستن رهنمودهای انقلابی اش من و برادرم که او نیز مانند منست و با من کار می کند، بعد از تعطیل کار و رفتن کارگران هرروز چند ساعت اضافه کاری می کنیم و پولش را برای کمک به سازمان کنار می گذاریم تا به نوبه خود سازمان مان را در جهت پیشبرد مبارزات کارگران و زحمتکشان یاری رسانیم. پیروزی باد طبقه کارگر ایران زنده باد سازمان

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر  
پیشواز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران -



## بررسی قانون تشکیل شوراها (قسمت دوم)

# بجای تحکیم شوراهای واقعی شعار «شورا بی شورا» «قانونی» می شود

۲- همچنانکه گفتیم. مضمون مواد ۲، ۴ و ۷ تہی کردن محتوای شوراهای (از طریق افزودن مدیران به ترکیب شورا) و تبدیل شورا به زاعده دولت است. اما ماده ۱۴ در تکمیل این مضمون (از هم پاشاندن شورا) صراحت بیشتری دارد. مضمون ماده ۱۴ تنها "تہی کردن محتوای شورا" نیست بلکه رسماً "انحلال شورا" است.

انحلال شورا از طریق به تعلیق درآوردن تشکیل آن در واحدهای تولیدی بزرگ. شورای انقلا ب که با قانون مصوبه خود شوراها را تا سطح زائده های دولتی تنزل می دهد، به آن اکتفا نکرده و با گنجاندن ماده ۱۴ تشکیل شورا در واحدهای بزرگ دولتی را موکول به تصویب هیئت وزیران کرده است. این ماده از دو جنبه قابل بررسی است:

اول آنکه تشکیل شورا در این گونه واحدها مشروط به تصویب هیئت وزیران شده است و مسئله دوم، مبهم و معلق بودن آن است.

اولاً- این سؤال مطرح می شود که چرا شورای انقلا ب در قانون خود تشکیل شورا در این واحدها (واحدهای دولتی) را مورد چون و چرا قرار داده است؟ مگر جز این است که بخصوص در همین واحدهای تولیدی بزرگ است که باید بخاطر اهمیت اقتصادی خان و انبوه کثیر کارکنان مشارکت مستولانه توده کارکنان در اداره امور مربوطه، جلب شده و از خلاقیت انقلا ب و قوه ابتکار آنان استفاده شود؟ مگر جز این است که شوراهای کارکنان همین واحدهای بزرگ تولیدی هستند که در صف مقدم مبارزه صدامیریالیستی، مبارزه ای پیگیرانه را علیه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی به پیش می برند؟ مگر جز این است که به واسطه اهمیت استراتژیک این واحدها در اقتصاد ما، ضدانقلا ب بیش از هر جا درصد ایجاد اختلال، وقفه و رکود تولید در این واحدها است؟ مگر همین شوراهای صنعت نفت نبوده اند که بیش از هر ارگان دولتی و غیر دولتی درجهت خنثی کردن تلاش های ضدانقلا بی ایادی رژیم سابق و از جمله مدیران لیبرال مبارزه کرده اند و علیرغم سیل اتهامات بیجای مسئولین و مقامات دولتی و مدیران لیبرال از هیچ فدکاری فروگذار نکرده اند؟ پس چرا شورای انقلا ب تشکیل و بقای شوراها در این واحدها را مورد چون و چرا قرار داده است؟ جواب این سؤال برای کارگران مبارز و آگاه روشن است. در پشت این ماده (۱۴) همان سیاستی قرار دارد که تاکنون درجهت تضعیف و متلاشی کردن شوراهای درواحدهائی مثل صنعت نفت و صنایع فولاد و... تلاش می کرده است. یعنی همان سیاستی که نمایندگان آن، معین فر وزیر نفت و... و... وزیر صنایع و معادن بوده اند. نفتگران قهرمان و مبارز در سراسر ایران، دشمنی آشکار معین فر را با شوراهای صنعت نفت بارها و بارها دیده اند. احمدزاده ها و صدرا و نعمت زاده ها را نیز کارگران مبارز و آگاه می شناسند. بی جهت نیست که پایبای تصویب قانون شورای انقلا ب شورای صنعت نفت اهواز توسط دادستانی خوزستان به اتهام واهی "اقدامات خودسرانه و بی رویه" منحل اعلام می شود.

سریست ها و مدیران لیبرال و سازشکار و همه ایادی ضدانقلا ب، بیش از همه از وجود ماده ۱۴

در قانون شورا، شاد شدند. آنها در انتظار تصویب چنین قانونی، ماهها روزشماری می کرده اند. از اینپا گذشته این سؤال نیز مطرح می شود که درحالی که با وارد کردن مدیران در ترکیب شوراها به تہی کردن محتوای شوراهای حکم می دهند، دیگر چه نیازی می بینند که تشکیل شورا در واحدهای تولیدی بزرگ را موکول به تصویب هیئت وزیران نمایند؟

ثانیاً- در این ماده گفته شده است: "واحدهای بزرگ تولیدی"

معیار شورای انقلا ب برای تشخیص بزرگی و کوچکی واحدهای تولیدی چیست؟ دقت بیشتر در مضمون واقعی این ماده، ما را از پی جوئی بیشتر در مورد "معیارهای" شورای انقلا ب بی نیاز می کند. این ماده اگرچه ظاهراً مبهم مانده است لیکن منظور شورای انقلا ب از طرح آن کاملاً روشن است. در اینجا مودیانه سعی شده است تا اینطور وانمود شود که منظور از واحدهای بزرگ تولیدی واحدهائی مثل فولاد، مس و غیره است و این "غیره" می تواند همه واحدهای دولتی را دربر گیرد. چون واحدهای دولتی عموماً واحدهای بزرگ اند و واحدهای کوچک و بسیاری از واحدهای متوسط اساساً مشمول قانون ملی شدن صنایع نبوده اند. به این ترتیب این قانون تشکیل شورا در ۷۰ تا ۸۰ درصد واحدهای موجود در ایران را موکول به تصویب هیئت وزیران نموده است. بی جهت نیست که صدر، معاون وزیر صنایع و معادن و سرپرست سازمان گسترش و نوسازی صنایع که قبلاً با حمایت فعال احمدزاده توانسته بود با دسیسه چینی های خود اتحادیه سراسری شوراهای اسلامی سازمان گسترش را منحل اعلام کند، بلافاصله پس از اعلام تصویب این قانون به استناد همین ماده ۱۴ اقدام به صدور بخشنامه ای جهت انحلال شوراهای کارخانجات تابعه سازمان گسترش می کند. صدر در مصاحبه مطبوعاتی اش در جواب به این پرسش که چرا مبادرت به صدور چنین بخشنامه ای کرده است عوام فریبانه پاسخ می دهد که: "کارخانجات تابعه سازمان گسترش مشمول ماده ۱۴ قانون شوراها می شوند زیرا سازمان گسترش خود یک واحد تولیدی بزرگ است." با این "استدلال" و این "قانون" شورا، باید انتظار آن را داشت که در روزهای آینده، وزارت صنایع و معادن اعلام کند که چون همه کارخانجات ملی شده واحدهای تولیدی تابعه این وزارتخانه به شمار می آیند، لذا در مجموع یک واحد تولیدی بزرگ محسوب می شوند. پس شوراهای تمامی این واحدها به حکم ماده ۱۴ منحل اعلام می شوند!

مضمون اصلی این ماده نیز چیزی جز تحقق این هدف نیست: انحلال شوراهای قانونی کردن شعار "شورا بی شورا".

هرچند بررسی اجمالی مواد فوق الذکر به نتایجی برای نشان دادن محتوای واقعی این قانون کافی است، ولی بررسی تکمیلی مواد دیگر این قانون نیز به سهم خود می تواند مضمون و ماهیت واقعی آن را بیش از پیش آشکار نماید. از این رو به مهم ترین نکات آنها اشاره می کنیم:

۱- قانون شوراها حدود و وظایف و اختیارات شوراهای را براساس همان قانون پیشنهادی دولت بزرگان پیش بینی و تعیین کرده است. این قانون

از میان همه وظایف اساسی شوراهای، تنها از "ایجاد روحیه همکاری و همبستگی بین کارکنان و مدیران" صحبت می کند. قانون شوراها اگر هم به وظایفی نظیر "نظارت بر امور واحد به منظور آگاهی از امور جاری" و "همکاری با مدیریت در تهیه برنامه ها" اشاره می کند، بلافاصله تبصره ای اضافه می کند بدین مضمون که "حوزه نظارت نباید طوری باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد" بدین ترتیب قانون شوراها به محدود کردن دامنه اختیارات و وظایف شوراهای اکتفا نکرده، با افزودن این تبصره دست مدیران را برای جلوگیری از اعمال نظر شوراهای در همان حد پیش بینی شده نیز باز می گذارد.

۲- ماده ۸ قانون شوراها نیز که از قانون پیشنهادی دولت بازرگان اقتباس شده است، به منظور ایجاد روحیه همکاری هرچه بیشتر کارگران در اداره امور خود "برای هر شورا یک "عضو رابط" در نظر گرفته است. وظایف این "عضو رابط" عبارت است از "جلب همکاری کارکنان و مدیریت" و "جلب همکاری کارکنان درجهت اجرای صحیح تصمیمات متخذه در مدیریت" و غیره. در اینجا این سؤال مطرح می شود که "جلب همکاری کارکنان در اجرای صحیح تصمیمات متخذه در مدیریت" یعنی چه؟ آیا جز این است که قانون شوراها برای آنکه شوراهای به ابزار بلااراده مدیران تبدیل شوند هیچ تضمینی بهتر از وجود عنصری به عنوان "عضو رابط" نباشته است، عنصری که وظیفه آن است که کارکنان را بطور مستمر به اجرا تصمیمات اخذ شده توسط مدیران جلب و یا د حقیقت وادار نماید؟ از این گذشته عضو راه در شورائی که خود مدیریت نیز در آن شرکت دارد، چه ضرورت و چه مفهومی می توان داشته باشد؟

۳- قانون شوراهای تمام اینها قناعت نکرده برای اعمال کنترل بازهم بیشتر به شوراهای ارگان دیگری بنام هیئت نظارت بر امور شورا اختراع کرده است. ماده ۱۰ می گوید: "منظور تأمین حسن روابط شورا و مدیریت (مدیریتی که خود عضو شورا است؟! و تحک و وحدت میان آنان و هم چنین داوری میان شور مدیریت، هیئت نظارت بر امور شوراهای در منطقه تشکیل می شود" نگاهی به ترکیب اعضا این هیئت مشخص می کند که حقوق و منافع کارگران تا چه حد به وسیله آن می تواند تأمین شود. وجود دو مدیر علاوه نماینده دولت مقابل دونهایبند از شورا به روشی نشان می دهد که این هیئت اساساً چه وظایفی دارد و هدفی را تعقیب می کند. روشن است که مدیریت نتوانست سیاستش را در شورا پ ببرد و از "عضو رابط" هم کاری ساخته نبود. نگاه نوبت به "هیئت نظارت" می رسد و این هیئت می تواند با استناد به این ماده، مهربانانه را پای "تصمیمات متخذه در مدیریت" بگوب قضیه را فیصله دهد! به این ترتیب قانون شور با این ماده آخرین تیر را نیز در کمان مدیر گذاشته است تا در لحظه مناسب آن را رها کند



بمناسبت سالروز انقلاب بلغارستان؛

## انقلاب بلغارستان گسست حلقه دیگری از زنجیر سرمایه داری جهانی

کمونیسم و افشای ماهیت فاشیسم ضربه‌ای سهمگین بر پیکر فاشیست‌های آلمانی وارد آورد و هیئت را مجبور به عقب‌نشینی و آزادی وی نمود.

با نزدیک شدن جنگ جهانی دوم، حزب کمونیست بلغارستان تحت رهبری دیمیتریف تمام سعی خود را در راه ایجاد "جبهه خلق برای مبارزه علیه تهدید جنگ و برای دوستی با اتحاد شوروی و دفاع از آزادی دموکراتیک و استقلال ملی" به‌کار برد. دولت فاشیستی بلغارستان با آغاز جنگ جهانی دوم در کنار آلمان هیتلری به مبارزه علیه خلق‌های اروپا برخاست و بلغارستان را به عنوان پایگاهی برای حمله به کشورهای دیگر در اختیار فاشیست‌های آلمان قرار داد. حزب کمونیست بلغارستان در سال ۱۹۴۱ بعد از حمله آلمان به شوروی جنگ مسلحانه علیه فاشیست‌های آلمان و دست‌نشانندگان داخلی آنها یعنی بورژوازی، مأمورین دولت ارتجاعی و افسران سلطنت‌طلب را آغاز نمود. در سال ۱۹۴۲ به ابتکار رفیق دیمیتریف و تحت رهبری او "جبهه میهنی"، جناح چپ "اتحادیه‌زارعین بلغاری" (تاسیس در سال ۱۸۹۹) و "سوسیالیست‌های چپ" و روشنفکران مترقی را تحت رهبری حزب کمونیست متحد می‌نمود. بلافاصله دستجات متعدد پارتیزانی و کمیته‌های محلی "جبهه میهنی" در نقاط مختلف کشور تشکیل شدند. با

هر پیروزی که نیروهای شوروی در جنگ علیه نیروهای فاشیست به دست می‌آوردند، مبارزه زحمتکشان بلغاری عمیق و گسترش تازه‌ای می‌یافت هنگامی که ارتش سرخ به دولت فاشیست بلغارستان اعلام جنگ نمود، قیام توده‌ای زحمتکشان بلغارستان نیز به اوج خود رسیده بود در ۹ سپتامبر ۱۹۴۴، "جبهه میهنی" به رهبری حزب کمونیست بلغارستان دولت فاشیستی را در یک قیام توده‌ای قهرمانانه سرنگون ساخت و قدرت خلق به رهبری حزب کمونیست را مستقر نمود. در ۶ نوامبر رفیق دیمیتریف به وطن خود بازگشت و در سال ۱۹۴۶ به ریاست شورای وزیران حکومت دموکراسی خلق که به وسیله رای قریب به اتفاق مردم انتخاب شده بود، برگزیده شد.

بعد از انقلاب، مردم بلغارستان در آزادی یوگسلاوی و اتریش از یوغ فاشیسم به همراه ارتش سرخ شرکت نمودند. تحت رهبری حزب کمونیست و رفیق دیمیتریف بعد از انقلاب دستگاه دولتی و ارتش بورژوازی درهم شکسته شد و مبارزه با نیروهای ضدانقلابی که از حمایت تمام دولت‌های امپریالیستی برخوردار بودند، تا سال ۱۹۴۷ ادامه داشت. هم‌چنین صنایع، معادن و املاک زمین‌داران بزرگ مصادره و ملی شدند و به مالکیت دولت انقلابی درآمدند و پس از اجرای دو برنامه پنج‌ساله، در سال ۱۹۵۷ بخش سوسیالیستی در صنعت و کشاورزی بلغارستان غلبه یافتند و بلغارستان در مسیر تحکیم ساختمان سوسیالیسم و پیشروی به سوی کمونیسم قرار گرفت.

رفیق دیمیتریف در کنگره پنجم حزب کمونیست بلغارستان (۱۹۴۸) ضمن ارائه یک تحلیل عمیق مارکسیستی خطوط عمومی پایه‌گذاری سوسیالیسم را پی‌ریزی نمود و نشان داد که دیکتاتوری خلق در بلغارستان خود شکل تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا در شرایط ویژه بلغارستان است.

بلغارستان سوسیالیستی که به دست پرتوان طبقه کارگر ساخته شده است، امروز در زمینه‌های صنعت کشاورزی در زمره کشورهای پیشرفته سوسیالیستی قرار دارد.

در سالروز انقلاب بلغارستان یاد تمام شهدای انقلاب را که در نبرد با سرمایه‌داران فاشیست به شهادت رسیدند، گرامی می‌داریم.

و جناح‌های انقلابی انترناسیونال دوم که تحت رهبری لنین بودند، به مخالفت با جنگ پرداخت و شعار "تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی" را مطرح ساخت.

دیمیتریف که در فاصله سال‌های ۲۳-۱۹۱۳ از طرف کارگران به نمایندگی پارلمان انتخاب شده بود، با استفاده از تریبون پارلمان مبارزه سرسختانه‌ای را برای افشای ماهیت جنگ امپریالیستی و سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه بورژوازی بلغارستان به پیش برد. وی به‌خاطر مخالفتش با جنگ بارها تحت تعقیب قرار گرفت.

بعد از پایه‌گذاری انترناسیونال سوم، حزب سوسیال دموکرات بلغارستان نام خود را به حزب کمونیست بلغارستان تغییر داد و به انترناسیونال سه پیوست. حزب هم‌چنین اعتصابات و تظاهرات کارگری وسیعی را در سال ۱۹۱۹ در مخالفت با مداخله امپریالیست‌ها در اتحاد شوروی و با شعار "دستها از روسیه شوروی کوتاه!" رهبری نمود و بدین‌وسیله به دفاع از جمهوری جوان شوراها برخاست.

در فاصله بین دو جنگ جهانی به استثنای دوره کوتاه ۲۳-۱۹۲۵ که در بلغارستان یک حکومت دموکرات بر سر کار بود، این کشور در زیر بوغ حکومت‌های فاشیستی قرار داشت. در فاصله ۹ تا ۱۴ ژوئن سال ۱۹۲۳ یک قیام خودانگیخته ضدفاشیستی به‌وسیله زحمتکشان بلغارستان انجام گرفت که دیمیتریف به‌همراهی کولاروف، رهبری آن را در دست گرفتند. در سپتامبر همان سال با رهنمود حزب کمونیست بلغارستان، قیام دیگری علیه حکومت فاشیستی که مورد حمایت امپریالیست‌های آلمانی بود، به‌راه افتاد. این قیام‌ها هرچند که سرکوب شدند ولی برای کارگران و دهقانان بلغارستان از همان اهمیتی برخوردار بودند که انقلاب ۱۹۰۵ روسیه برای کارگران و دهقانان روسیه داشت. کارگران و دهقانان بلغارستان با تجربه این قیام به نیروی عظیم خود در مبارزه علیه فاشیسم پی بردند و خود را از توهمات رفرمیستی رها کردند.

رفیق دیمیتریف که در سال ۱۹۲۱ در کنگره سوم کمینترن شرکت کرده و در همان سال به هیئت اجراییه پروفینترن انتخاب شده بود، پس از سرکوب قیام مجبور به مهاجرت از کشور شد. حکومت‌گران فاشیست بلغارستان وی را غنایا به مرگ محکوم نمودند. وی در مهاجرت عضو کمیته خارجی حزب، کمیته اجراییه کمینترن، هیئت اجراییه پروفینترن و هم‌چنین دبیر فدراسیون کمونیستی بالکان بود. رفیق در این دوران خدمات بسیار ارزشمندی که جنبش جهانی کمونیستی کرده با تحلیل علمی از ماهیت فاشیسم راه پیروزی مبارزه طبقه کارگر را روشن ساخت. در سال ۱۹۳۳ هنگامی که وی در برلین به سر می‌برد، دستگیر شد و به اتهام آتش زدن ایشتابک به محاکمه کشیده شد. دفاع جانانه او از

۴۷ سال پیش، در دسامبر سال ۱۹۳۳ رفیق گتورگی میخائیلویچ دیمیتریف یکی از رهبران پرولتاریای جهان و رهبر انقلاب بلغارستان، در جریان محاکمه لاپیزیک که به‌وسیله دار و دسته فاشیست هیتلر برای محکوم ساختن کمونیسم برپا شده بود، از زبان میلیون‌ها کارگر و زحمتکش جهان در دفاع از آرمان کمونیسم و افشای چهره کریه امپریالیسم، فاشیسم و ارتجاع جهانی، نابودی محتوم سرمایه‌داری و غلبه گریزناپذیر سوسیالیسم را اعلام نمود.

۱۱ سال بعد یعنی در نهم سپتامبر (شهریور) سال ۱۹۴۴ هنگامی که طبقه کارگر و خلق بلغارستان در یک قیام توده‌ای دولت فاشیستی بلغارستان را سرنگون ساخت، فاشیست‌های آلمانی را از خاک میهن خود بیرون رانده و تحت رهبری رفیق دیمیتریف جمهوری خلق بلغارستان را بنیان گذاشتند. سخنان وی در بلغارستان تحقق پیدا کرد.

مردم بلغارستان از قرن پانزدهم تا اواخر قرن نوزده تحت سلطه فتودال‌های ترک عثمانی بودند و بلغارستان جزو قلمرو امپراطوری عثمانی به شمار می‌رفت. با تضعیف و تلاشی امپراطوری عثمانی که "بیمار اروپا" نام گرفته بود، از یک طرف و رشد بورژوازی ملی و نفوذ سرمایه و کالاهای خارجی از طرف دیگر، از اواسط قرن نوزدهم به بعد جنبش رهایی‌بخش ملی در بلغارستان رشد نمود. تا اینکه در دهه قرن نوزدهم فتودال‌های عثمانی مجبور به ترک بلغارستان شدند و دولت بورژوازی ملی در بلغارستان تشکیل شد. الغای روابط فتودالی و انجام اصلاحات ارضی بورژوازی به رشد نیروهای مولده و تحکیم روابط سرمایه‌داری یاری رساند.

با رشد صنعت و پیدایش طبقه کارگر در بلغارستان، حزب سوسیال دموکرات کارگران بلغارستان در سال ۱۸۹۱ بنیان گذاشته شد. این حزب به ترویج سوسیالیسم علمی در بین کارگران پرداخت و در انترناسیونال دوم در جبهه احزاب انقلابی قرار گرفت و هم در درون خود و هم در جبهه بین‌المللی به مبارزه با سوسیال رفرمیسم که نماینده اصلی آن برنشتاین بود، پرداخت.

رفیق دیمیتریف که از سن ۱۲ سالگی برای گذران زندگی به کارگری روی آورده بود، در سال ۱۹۰۱ به دبیری اتحادیه کارگران چاپ صوفیه انتخاب شد و در سال ۱۹۰۲ به حزب سوسیال دموکرات کارگران بلغارستان پیوست و در جناح انقلابی مارکسیست آن قرار گرفت. دیمیتریف رهبر برجسته انقلاب بلغارستان و هم‌زم لنین و استالین و عضو هیئت اجراییه کمینترن، در فاصله سال‌های ۲۳-۱۹۰۵ یکی از رهبران فدراسیون انقلابی اتحادیه‌های کارگری بلغارستان بود و در سال ۱۹۰۹ به عضویت کمیته مرکزی حزب و هم‌چنین دبیری اتحادیه کارگران برگزیده شد. رفیق فعالانه در اعتصابات کارگری این سالها در بلغارستان شرکت جست و چندین اعتصاب کارگران معادن زغال‌سنگ، راه‌آهن، کارخانه‌های کبریت‌سازی و... را رهبری نمود.

با آغاز جنگ جهانی، حکومت ارتجاعی بلغارستان به طرفداری از امپریالیست‌های آلمان برخاست و در جنگ شرکت نمود. حزب سوسیال دموکرات کارگران بلغارستان همراه با احزاب





دولت انقلابی، تعداد ۱۷۷۰۰۰ عینک بطور مجانی به نوآموزان داده شد. کلاسهای فشرده ۱۰ روزه برای آموزش دادن به داوطلبین تشکیل شد و به آنان علاوه بر آموختن علمی ترین و پیشرفته ترین روش سوادآموزی، لزوم احترام به سنتهای مردم و همکاری با آنان در امور کشاورزی و تولیدی یادآوری گردید.

داوطلبان در خانوادههای که مسئولیت سوادآموزی آن را به عهده داشتند، پذیرفته می شدند و دولت هزینه زندگی شان را می پرداخت ۷ ماه بعد از شروع مبارزه، تعداد سوادآموزانی که در امتحانات موفق شده بودند، به رقم ۷۰۰ ۰۰۰ رسید و این کاری بود که تا آن روز در هیچ کجای دیگر دنیا نظیر نداشت.

رقم بیسوادان کوبا در پایان برنامه ریشه کنی بیسوادی در کوبا، به کمتر از ۵٪ و بعدها به صفر رسید. این برنامه در عین حال نشان داد که علت شکست برنامه های پرخرج یونسکو که در چندین کشور جهان سوم انجام شد، این حقیقت است که هیچ برنامه ای برای مبارزه با بیسوادی اگر با دگرگونی های بنیادی در وضعیت اقتصادی اجتماعی جامعه همراه نباشد و اگر با تامین شرایط اولیه زندگی یعنی کار، مسکن مناسب و بهداشت آزادی و استقلال ملی همراه نباشد، نمی تواند به نتایج مطلوب منتهی شود. نتایج به اصطلاح "مبارزه با بیسوادی" در زمان شاه مخلوع معدوم با آن همه بوق و کرنا که در بیسوادی کنونی اکثریت زحمتکشان میهن ما خود را نشان می دهد نیز شاهی بر این مدعاست.

## چگونه کوبای سوسیالیستی

# بیسوادی را نابود کرد

آبادگی خود را اعلام کردند که اگرچه از بچه ۸ ساله تا زن ۱۰۶ ساله در بین آنها بودند اما عموماً جوان بودند (۸۷٪ در سنین بین ۱۰ تا ۱۹ سال) با این همه به زحمت نسبت بین معلم و شاگرد به حدود یک به چهار رسید زیرا بعد از حذف کسانی که به علت ضعف قوای بدنی و غیره قادر به انجام این خدمت نبودند، بطور دقیق ۹۵/۷۷۷ نفر پذیرفته شدند.

۲- سازماندهی با نقشه و تدوین برنامه حساب شده برای هدیرفتن این همه نیروی جوان و خلاق توسط مارکسیست هائی که در وزارت آموزش و پرورش کوبا فداکارانه تلاش می کردند، عملی می شد. از جمله اینکه بعد از اعزام تیم های پزشکی و معاینه چشم و قدرت بینائی نوآموزان، به منظور تعیین افراد محتاج به عینک، از طرف



در بیست و ششم سپتامبر ۱۹۶۰ رفیق فیدل کاسترو در اولین سخنرانی خود در سازمان ملل متحد، آغاز یکی از اعجاب انگیزترین رویدادهای آموزشی نیم قرن اخیر را اینطور اعلام کرد: "خلق کوبا تصمیم به بیسوادی گرفته است با این هدف که در ظرف یکسال، تمامی افراد مملکت قادر به خواندن و نوشتن گردند..."

مشکلات متعددی این اقدام منورهانه را تهدید به شکست می کرد. از جمله اینکه بیش از یک چهارم جمعیت ۴ میلیونی کوبا بیسواد و اغلب نیز در نقاط صعب العبور و کوهستانی زندگی می کردند و تعداد معلمین نیز بسیار ناکافی بود. رهبران دولت انقلابی این مشکلات را اساساً با توجه به دو نکته حل کردند:

۱- بسیج توده ها و به کارگیری تمامی نیروهای هوادار انقلاب و علاقمند به مبارزه با بیسوادی به زودی ۲۵۰ هزار داوطلب مبارزه با بیسوادی

ساختن تظاهرات گسیل شدند و در نتیجه عده های زخمی و بازداشت شدند. جنبش مقاومت مردم شیلی که متشکل از سازمان های مترقی و ضد امپریالیست این کشور است، از آغاز کودتای نظامیان در شیلی تاکنون علیه این حکومت مبارزه

خلق ویتنام یکی از مبارزان راه آزادی و استقلال ویتنام بوده است، به دریافت لقب قهرمان شوروی مفتخر گردید.

## پاکستان

طبق گزارش های رسیده از پاکستان، در بلوچستان و دیگر ایالات این کشور تظاهرات ضد دولتی با شرکت صدها هزار نفر انجام گرفته است روزنامه ها گزارش داده اند که بر تعداد شعارهای "مرگ بر ضیاء الحق" و "مرگ بر دیکتاتوری" که بر در و دیوار خانه ها نوشته شده اند، اضافه شده است. بسیاری از احزاب و سازمان های سیاسی در پاکستان مجدداً بر لزوم لغو حکومت نظامی و موادی از قانون اساسی این کشور که به رئیس جمهور اختیارات یک دیکتاتور را می دهد، تاکید نموده اند.

## شیلی

هفته گذشته در سانتیاگو پایتخت شیلی، ۵۰ هزار نفر در اعتراض به همه پرسی در مورد لایحه جدید قانون اساسی شیلی که قرار است در روز ۱۱ سپتامبر برگزار شود، تظاهراتی برپا داشتند.

پینوشه دیکتاتور شیلی که با یک کودتا حکومت مردمی آلنده را سرنگون کرد، بر اساس لایحه جدید، خواهان اختیارات وسیع تری شده است.

در تظاهرات مردم شیلی شعارهای روزهای حکومت آلنده طنین انداز بود. این تظاهرات طلبه اوج گیری مبارزات مردم شیلی برای دستیابی به استقلال، کار، مسکن و آزادی است نیروهای مسلح و واحدهای پلیس برای پراکنده



## قهرمانان سوسیالیسم

هفته گذشته دو فضانورد ویتنامی و شوروی، "فان تون" و "ویکتور گریاسکو" از سفر فضائی موفقیت آمیز خود که در چهارچوب برنامه "اینترکاسموس" انجام می گرفت، به زمین بازگشتند. فضانوردان شوروی، "لئونیدیا پوف" و "والری دیویدین" که بیش از چهارماه و نیم است در آزمایشگاه مداری "سالتو ۶" کار می کنند در مجموع گروه انترناسیونالیستی فضانوردان سفینه را تشکیل می دهند. این آزمایشگاه دراز مدت فضائی که در حدود سه سال پیش در مدار زمین قرار گرفت، امروزه مرکز تحقیقات کیهانی دانمنداری است که به وسیله فضانوردان و دانشمندان کشورهای سوسیالیستی انجام می گیرد در این برنامه مشترک تحقیقات کیهانی بیش از ۱۰ کشور سوسیالیستی شرکت دارند. "فان تون" فضانورد ویتنامی که در دوره مبارزات آزادببخش



قهرمانانهای را ادامه داده است. در عین حال باید خاطر نشان ساخت که جناح های بورژوازی لیبرال شیلی به سردمداری عناصری چون ادواردوفری (رئیس جمهور این کشور قبل از به قدرت رسیدن آلنده) سعی دارند مهار جنبش انقلابی مردم شیلی را در دست گرفته و آن را به سازش با امپریالیسم بکشانند. این جریانات اخیراً بر کوشش های خود در این زمینه افزوده اند و سعی دارند در صورت سرنگونی حکومت پینوشه حکومتی از نوع شاپور بختیارها را در شیلی برقرار سازند. انقلابیون شیلی ضمن مبارزه انقلابی خود علیه دیکتاتوری نظامی و امپریالیسم امریکا در جهت خنثی ساختن فعالیت های ضد انقلابی این گروه ها کوشش می نمایند.



# تاکتیک

## «انحرافی و اجباری» "راه کارگر"

شرایطی که نتوان به اعتصاب و تظاهرات سیاسی دست زد مناسبترین شکل تجلی پتانسیل انقلابی کارگرانست. (تاکیدها از ماست)  
بدین ترتیب "راه کارگر" از آنجا که از یک سو کارگران را دارای پتانسیل انقلابی معینی می بیند و از سوی دیگر شرایط کنونی را شرایط رونق اقتصادی و یا بحران انقلابی نمی یابد، به این نتیجه می رسد که کارگران نمی توانند پتانسیل انقلابی خویش را در اشکال مبارزات اعتصابی، از اعتصاب پراکنده اقتصادی گرفته تا اعتصاب عمومی سیاسی متجلی کنند. لذا گروگان گیری به عنوان مناسبترین شکل مبارزه کارگران تجلی می یابد.

نخست ببینیم درک "راه کارگری" از مقوله تاکتیک و چگونگی اتخاذ آن برچه مبنایی استوار است و سپس ضوابطی را که برای اتخاذ تاکتیک اعتصاب تعیین کرده است بررسی نمائیم.  
درک "راه کارگر" از مقوله تاکتیک، درک مفشوشی است. مسئله تاکتیک، مسئله کاربست تئوری و برنامه است و مارکسیسم علم تغییر جهان است نه تفسیر تئوریک آن. این دگرگونی به پشتوانه سلاح های تئوریک و کاربست زنده و مستقیم آن در عرصه پراتیک انقلابی یعنی اتخاذ تاکتیک بر مبنای عمل مستقیم توده ها صورت می گیرد و به این اعتبار است که "مارکسیسم - لنینیسم تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتاریائی است" تئوری در عرصه تاکتیک هاست که با عمل مستقیم توده ها گره می خورد و به نیرو بدل می شود. در عرصه تاکتیک هاست که تئوری خلاق می شود. کسی که بخواهد از تئوری انقلابی دفاع کند، بدون آنکه درک روشنی از تاکتیک ها داشته باشد، بی چون و چرا مارکسیست نیست بلکه مدافع تئوری نباشد! ما در این بخش نشان می دهیم که چگونه "راه کارگر" از مقوله تاکتیک پرولتاری بیگانه است و چرا درک روشنی از تئوری خلاق ندارد.

مارکسیسم - لنینیسم به ما می آموزد که تاکتیک های پرولتاری را بر مبنای عمل مستقیم توده کارگران و در چهارچوب اصول ( بطور مشخص تر در چهارچوب برنامه و استراتژی) اتخاذ کنیم. وجه عینی در اتخاذ تاکتیک پرولتاری ( اساس و مبنای آن) عمل مستقیم توده هاست و وجه ذهنی اش ( سمت و سو و شرط تحول آن) تئوری انقلابی و استراتژی پرولتاریائی است. از این رو تاکتیک ضمن اتکاء به نیرو و حرکت توده ها، در خدمت تحقق استراتژی بوده و در کلیتش تابع آن است. ولی "راه کارگر" بی توجه به این آموزشها، اولاً - تاکتیک را همان عمل مستقیم توده ها دانسته و آن را با حرکت خودپوی توده های یکی می انگارد ( که این موضوع را طی این مقاله روشن می کنیم) ثانیاً - بر این ضوابط اتخاذ تاکتیک، بخصوص وقتی که می خواهد شرایط اتخاذ تاکتیک اعتصاب را بررسی کند، به کلی گوئی هائی از این دست منوسل می شود که " شرایط سیاسی -

" زمان آن رسیده است که پرولتاریا با دقت به این چهره ها بنگرد و به درستی بر خود روشن سازد که واقعا این عناصر چه گسانی هستند که هر قدر امکان ادامه بقا شان به مثابه یک جریان ویژه و فاقد پیوند نزدیک با طبقه کارگر انقلابی، برایشان آشکارتر می شود، با سماجت بیشتری دوستی پرولتاریا را طلب می کنند."

(لنین - ماجراجویی انقلابی)

اخیراً " راه کارگر" مقاله ای تحت عنوان "نگاهی به تاکتیک ها و اشکال مبارزات کارگران در مرحله کنونی" در نشریه شماره ۳۲ خود درج کرده است که حاوی " رهنمودهای" آنارکو - سوسیالیستی بی شماری است. ما در اینجا رؤس انحرافات آن را در چهارچوب درس های جنبش کارگری ایران اجمالاً بررسی می کنیم:  
این " رهنمودها" بیش از دیگر " رهنمودهای" خیالی " راه کارگر" به روشنی نشان می دهد که وقتی " نظریه پردازان راه کارگر" از آسمان به زمین می آیند و از عالم تئوری مجرد به عرصه تاکتیک های مبارزاتی پای می نهند، وقتی که بناگیز از واقعیت های سخت زمینی سخن می گویند و در خصوص مهم ترین این واقعیت ها ( جنبش کارگری) احکام و آیاتشان را بر طبقه کارگر نازل می کنند، آشکار می شود که احکام شان تا چه پایه غیر اصولی است و چگونه با حکمت اشراق و معرفت مبتنی بر کشف و شهود قریبت دارد تا اصول!

عنوان مقاله، مطمئن و انتظاربرانگیز است. مقاله به اشکال و شیوه های مبارزاتی کارگران ایران در مرحله کنونی می پردازد و با " بررسی" مسئله اعتصاب و گروگان گیری نتیجه می گیرد که اعتصاب حرکتی منطبق بر واقعیت نیست بلکه گروگان گیری به عنوان " مناسبترین شکل تجلی پتانسیل انقلابی کارگران" و به مثابه " تاکتیک ضربتی و تکمیلی" باید در دستور کار کارگران و پیشروان طبقه باشد. " راه کارگر" اشکال مبارزاتی کارگران را در مرحله کنونی، این چنین " تئوریزه" کرده است:

شرایط سیاسی - اقتصادی جامعه همیشه بر تاکتیک ها و اشکال مبارزاتی... مستقیماً تاثیر می گذارد. سازمان های سیاسی و کارگران پیشرو اگر نتوانند ارزیابی درستی از این شرایط داشته باشند، هرگز نخواهند توانست مبارزه کارگران را رهبری کنند...  
و سپس خود به ارزیابی شرایط اقتصادی - سیاسی برای اتخاذ تاکتیک ها (اعتصاب و...) می پردازد:  
... اعتصاب به مثابه وسیله ای برای کسب مزایای صنفی در شرایط رونق اقتصادی به صورت زنجیره ای از مبارزات پراکنده یا گسترده که بر پروسه تولید فشار می آورد، مطرح است و کاربرد دارد. اعتصاب به مثابه وسیله ای برای سرنگونی و حمله به قدرت سیاسی در شرایط بحران انقلابی به صورت تظاهرات وسیع توده ای خیابانی و اعتصابات عمومی فلج کننده اقتصادی عمل می کند. در شرایط کنونی، ما نه با شرایط رونق اقتصادی و نه با شرایط بحران انقلابی که توده ها یارای رودررویی با حاکمیت سیاسی را داشته باشند، روبرویم... با توجه به آنچه که گذشت نتیجه می گیریم که اعتصاب نمی تواند نقش و عملکردی همچون گذشته داشته باشد. این تغییرات در شکل بروز حرکات اعتراضی و مبارزاتی کارگران و در روابط درون آن خود را نشان می دهد. در واقع ما شاهد بروز اشکالی از مبارزه هستیم که در عین حال باید به مثابه ادامه منطقی اعتصاب در شرایط کنونی بررسی شوند. ولی از لحاظ شکل و عملکرد با آن متفاوتند... اینجاست که گروگان گیری به مثابه فشرده اعتصابات منضجی می گردد... گروگان گیری دقیقاً در

اقتصادی جامعه همیشه بر تاکتیکها... مستقیماً تاثیر می گذارد" شرایط سیاسی - اقتصادی بر غالب مسائل مربوط به جامعه بشری بطور مستقیم تاثیر می گذارد. خیلی بیشتر از تاثیراتی که شرایط جغرافیائی و بیولوژیک بجا می گذارد ولی اینها چه ربطی به ضوابط اتخاذ تاکتیک دارد؟ تاکتیک را نه مستقیماً از فرمایشون بیرون می کشند و نه مستقیماً از شرایط سیاسی - اقتصادی. تاکتیک محصول استراتژی پرولتاری و عمل مستقیم توده هاست. ولی " راه کارگر" پس از این کلی گوئی، برای آنکه بطور مشخص تری در رابطه با تاکتیک اعتصاب، شرایط سیاسی اقتصادی را ارزیابی کند، دو ضابطه سیاسی و اقتصادی ( یعنی بحران انقلابی و رونق اقتصادی) را به عنوان ضوابطی که در چهارچوب آن باید تاکتیک اعتصاب اتخاذ شود، ذکر می کند و این ضوابط را این چنین فرموله می کند:

" اعتصاب به مثابه وسیله ای برای کسب مزایای صنفی در شرایط رونق اقتصادی... مطرح است و کاربرد دارد... اعتصاب به مثابه وسیله ای برای سرنگونی و حمله به قدرت سیاسی در شرایط بحران انقلابی به صورت تظاهرات وسیع توده ای... عمل می کند."

معلوم نیست این احکام بر مبنای چه تحلیلی صادر می شوند و بر چه واقعیتی استوارند؟ به وضوح روشن است که تاکتیک اعتصاب به هیچ وجه مستقیماً به رونق اقتصادی و بحران انقلابی مشروط نمی شود. تمامی اعتصابات گسترده ای که در آمریکا، اروپا و ژاپن در سال های اخیر رخ داده و هم اکنون رخ می دهد، نشان می دهد که ضوابط فوق ظوابطی خیالی است: در این ممالک امپریالیستی نه رونق اقتصادی وجود دارد و نه بحران انقلابی. " راه کارگر" یقیناً تورم نوام یا رکود حاکم بر اقتصاد امپریالیسم جهانی را نمی تواند انکار کند مگر آنکه به وجود وضعیت انقلابی در اروپا و آمریکا و ژاپن... اعتقاد یافته باشد. کسی که تاکتیک را مستقیماً از " شرایط سیاسی و اقتصادی" بیرون می کشد، نه از استراتژی پرولتاری و عمل مستقیم توده ها و لاجرم از مارکسیسم - لنینیسم چیزی نیاموخته است.

" راه کارگر" برای آنکه احکام تازه ای برای " هدایت" جنبش صادر کند، بر اساس یافته های ذهنی مفشوش این گونه استدلال می کند:  
" علیرغم گسترش بحران اقتصادی - اجتماعی و عدم ثبات سیاسی در جامعه هنوز توده های وسیعی از حاکمیت حمایت می کنند. توده های زحمتکش ما چه از نظر ذهنی و چه از نظر عینی هنوز آژادگی رابروئی و مبارزه سریع علیه حاکمیت کنونی را ندارند و بدین جهت مشکل عالی تر اعتصاب یعنی اعتصاب عمومی و توده ای و در خارج از کارخانه به شکل تظاهرات سیاسی توده ای نیز نمی تواند به وجود آید"

این استدلال مفشوش ربطی به تاکتیک و استراتژی پرولتاری ندارد. آنچه که در اینجا معیار قرار گرفته است، تنها و تنها سطح حرکت خودانگیخته توده هاست. پیشرو در استدلال گهقرائی فوق حداقل بیعنوان یک عامل موثر نیز ابداً نقشی ندارد. " راه کارگر" اعتصاب را تنها به خاطر آنکه هنوز توده های وسیعی از حاکمیت حمایت می کنند، نادرست می داند نه به خاطر منافع استراتژیک پرولتاریا. آنچه که برای " راه کارگر" مهم است به هر قیمت و باری به هر جهت تقابل توده ها با حاکمیت است نه سمت و سوی این تقابل. این درک، درکی آنارشیستی از وظایف کمونیست ها و جنبش کارگری است. این بیخبر استراتژی و سیاست مستقل پرولتاری را قربانی جنبش خودانگیخته کور می نماید و بنوبه خود جنبش توده ای را نیز قربانی تنگ نظری های خرده بورژوازی خود می کند.

### راه "کارگر" یا راه "توپامارو"؟

"راه کارگر" می نویسد:

"... در واقع ما شاهد بروز اشکالی از مبارزه هستیم که در عین حال باید بمثابة "ادامه منطقی اعتصاب در شرایط کنونی بررسی شوند. ولی از لحاظ شکل و عملکرد با آن متفاوتند... اینجاست که گروهان گیری بمثابة فشرده اعتصابات متجلی می گردد... گروهان گیری دقیقا در شرایطی که نتوان به اعتصاب و تظاهرات سیاسی دست زد، مناسب ترین شکل تجلی پتانسیل انقلابی کارگران است."

بردازان راه کارگر "گروگان گرفتن سرمایه دار است! بهتر بود رفقای "راه کارگر" روشن می کردند که منظورشان از ادامه "منطقی" اعتصاب، کدام "منطق" است؟ اعتصاب اقتصادی و سیاسی موضعی و گذرا هنوز طلبه اعتصابات همگانی و توده های نیست و اعتصابات همگانی نیز در شرایط انقلابی می تواند تا حد قیام مسلحانه ارتقاء یابد ولی آنچه مسلم است، سیر منطقی مبارزه اعتصابی به اشکالی بدوی و غیر پرولتری مانند گروگان گیری شخص سرمایه دار منجر نخواهد شد. یا باید معتقد شویم که جنبش کارگری رو به فقرا می رود و یا بپذیریم که منطق "راه کارگر" سیری فقرا را طی می کند. اعتصاب به هر شکل و کیفیتی که وقوع یابد، اعم از اینکه اقتصادی باشد و یا سیاسی، منفرد باشد یا همگانی، بیانگر درجه معینی از تشکل و آگاهی کارگران در سبب با کارفرما و نظام سرمایه داری است. "اعتصاب" می تواند به کارگران بیاموزد که قدرت سرمایه داران و قدرت کارگران در چه چیز نهفته است، می تواند به آنها بیاموزد که فقط درباره کارفرمایان خودشان و یا کارگران همکارشان ناندیشند بلکه تمام طبقه سرمایه دار و تمام طبقه کارگر را در نظر بگیرند... اعتصاب می تواند چشم کارگران را نه فقط با ماهیت سرمایه داران بلکه با ماهیت دولت و قوانین نیز باز کند" (لنین - درباره اعتصاب)

همه این مختصات و عملکردها که ذکر شد، مختصات یک تاکتیک پرولتری را در شرایط مشخص نشان می دهد. بحث بر سر این است که اعتصاب (صرف نظر از عملکرد مشخصش در شرایط کنونی ایران) یک تاکتیک و یک شکل مبارزاتی پرولتری است ولی آیا گروگان گیری هیچیک از این مختصات و عملکردهای پرولتری را می تواند داشته باشد؟ آگاهی سازمانگر و هدایت کننده یک اعتصاب که می تواند کارگران را به حرکتی سازمان یافته و جهت دار برانگیزد چیست؟ که وقتی "فشرده" می شود حاصلش سازمان گیری اقدامی بدوی مانند گروگان گیری از آب درآید؟ آیا این سیر فقرا نیست؟ "راه کارگر" می نویسد:

"گروگان گیری شکلی از مبارزه است که در اثر تغییرات ایجاد شده، تحت تاثیر شرایط، در تاکتیک اعتصاب به وجود می آید"

"و در جای دیگر می افزاید: گروگان گیری دقیقا در شرایطی که نتوان به اعتصاب و تظاهرات سیاسی دست زد، مناسب ترین شکل تجلی پتانسیل انقلابی کارگران است. کارگران به تجربه به قدرت این تاکتیک پی برده اند."

صدور این احکام نشان می دهد که: "راه کارگر" که خود را مفید کرده است برای پیشبرد مبارزات کارگران ایران در مرحله کنونی، تاکتیک تعیین کند، تاچه اندازه به اسلوب مارکسیستی در تعیین شکل مبارزه و تشکل پرولتری و تعیین ویژگی های مبارزه حول محوری واحد (تاکتیک)

### تاکتیک

### «انحرافی و اجباری»

پای بند است. "راه کارگر" به وضوح می گوید که چون تحت تاثیر شرایط در تاکتیک اعتصاب تغییراتی ایجاد شده است، پس گروگان گیری باید بمثابة فشرده تاکتیک اعتصاب و به عنوان تاکتیک پرولتری مورد استفاده پیشرو قرار گیرد. درک مفهوش "راه کارگر" از تاکتیک به ما مجال نمی دهد این مسئله را درک کند که امر اتخاذ تاکتیک در حیطه وظایف پیشرو و سازمان سیاسی است و تاکتیک از حرکت خودپوی کارگران متمایز است. از همین روست که در سراسر مقاله اش، عمل مستقیم کارگران را با تاکتیک درهم می آمیزد و مترادف هم می گیرد و این همه از شیفتگی "راه کارگر" نسبت به حرکات خودانگیخته توده های ناشی می شود و از "سنگر" این خودانگیختگی با عصیت فرمان می دهد:

"اگر می توان تولید را متوقف کرد، اگر می توان با فشار اقتصادی به خواست های خود رسید، یا فشار مستقیم بر هستی و موجودیت خود سرمایه دار باید این هدف را متحقق ساخت و کارگران ما چنین می کنند" (!)

"راه کارگر" پس از صدور این "فرمان" نتیجه می گیرد که پیشرو پرولتاریا باید براساس همین "رهنمودها" تاکتیک ضربتی و تکمیلی گروگان گیری را در دستور کار خویش قرار دهد.

لنین تاکید می کند که: "مارکسیسم بدون قید و شرط معتقد به یک برخورد تاریخی با اشکال مبارزه است. بدون در نظر گرفتن موقعیت مشخص تاریخی، هرگونه بحثی در این باره به معنای عدم درک الفبای ماتریالیسم دیالکتیک است."

(جنگ پارتیزانی)  
اگر "راه کارگر" بپذیرد که با اشکال مبارزاتی برخوردی تاریخی نماید، بی شک تفکر و رهنمودهای "خویش را در مورد تاکتیکها، در ابتدائی ترین مراحل جنبش کارگری یعنی در دوره ماشین شکنی خواهد یافت. این رفقا درک نمی کنند که تاکتیک جدا از هر صفت "ضربتی و تکمیلی و فشرده... عبارتنست از" تعیین روش پرولتاریا در مدت نسبتا کوتاه جذر یا مد نهضت، صعود یا نزول انقلاب" (اصول لنینیسم)  
آیا گروگان گیری سرمایه دار روش انقلابی پرولتاریا در شرایط کنونی است؟ آیا این شکل از مبارزه با نظم اجتماعی تولید و شیوه های منبذ مبارزه پرولتری قربانی دارد؟ بر مبنای کدام اصول از گروگان گیری به عنوان "تاکتیک پرولتری" صحبت می شود؟ آیا به صرف اینکه کارگران به این عمل مستقیم متوسل می شوند، باید بر آن نام "تاکتیک پرولتری" نهاد؟ پس نقش پیشرو و تئوری انقلابی چیست؟ آنچه که مسلم است گروگان گیری یک تاکتیک خرده بورژوازی است نه پرولتری و به صرف آنکه کارگران بدان توسل جستند، نمی تواند پرولتری شود!

گروگان گیری سرمایه دار اقدامی پیشرفته تر از ماشین شکنی است ولی بسیار عقب مانده تر از آن است که ضربه اش را نه به ابزار ماشین ها و نه به این یا آن سرمایه دار و کارفرما بلکه به طبقه سرمایه دار و مناسبات سرمایه داری وارد آورد. از این رو شیوه های بدوی و نمایانگر تسلط آلودگی های تفکر غیر پرولتری و عقب مانده (به ویژه تفکر آنارشستی خرده بورژوازی) است. تاکتیک که ضربه پرولتاریا را بر ضوابط و مناسبات



منحط بورژوازی و طبقه سرمایه دار وارد آورد، تاکتیک پرولتری است. "راه کارگر" نه تنها آنارشیسم خود را به پرولتاریا نسبت می دهد بلکه این شکل بدوی از مبارزه را به عنوان چکیده و فشرده تاکتیک اعتصاب و تجلی تکامل آن به پرولتاریا قالب می کند. "راه کارگر" قبل از آنکه "ثابت کند" که گروگان گیری یک تاکتیک پرولتری است، از درجه تکاملش صحبت می کند. آوردن صفاتی مانند "تکمیلی و ضربتی و..." برای "تاکتیک گروگان گیری" نه تنها چیزی را حل نمی کند بلکه مسئله را مضحک تر از آنچه هست می نماید. "تاکتیک ضربتی و تکمیلی" یعنی چه؟! با تاکتیک هست یا نیست. بحث بر سر عملکرد این اقدام مبارزاتی نیست بلکه بحث بر سر آن است که این اقدام و این شیوه مبارزاتی، تاکتیک پرولتری نیست و "راه کارگر" این مسئله را نمی داند و اشکال اصلی اش نیز در این است که تاکتیک را همان عمل مستقیم توده های می داند. تفرعن خرده بورژوازی که به غلط بر آن "راه کارگر" نام نهاده اند، مانع از آن است که حتی یک لحظه به این عبارات روشن و صریح رفیق استالین بیاندیشند که:

رهبری تاکتیک، جزئی از رهبری استراتژیک بوده و مطیع حواشی و مقاصد آن است. وظیفه رهبری تاکتیک آن است که به همه اشکال مبارزه و تشکیلاتی پرولتاریائی مسلط شود و استفاده صحیح از آنها را برای رسیدن به حداکثر نتیجه براساس تناسب قوای موجود که برای تهیه مقدمات پیشرفت استراتژیک لازم است، تامین نماید."

(استراتژی و تاکتیک)  
گروگان گیری شخص سرمایه دار برخلاف تفکر "راه کارگر" نه تنها "مناسب ترین شکل تجلی پتانسیل انقلابی کارگران" نیست بلکه چیزی جز تقدیس عقب ماندگی و تعمیم بدوی ترین اشکال مبارزه نیست. ارتقاء آن تا سر حد "تاکتیک پرولتری" و ادعای اینکه کارگران نیز به تجربه به قدرت این تاکتیک پی برده اند، جز سر فرود آوردن در برابر اشکال مبارزه خود بخودی کارگران و تنزل نقش آگاهگرانه و سازمانگر پیشروی انقلابی معنای دیگری ندارد. کارگران امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند آنند که در مورد توان و ظرفیت تاریخی خود و متحدان و دشمنان طبقه کارگر آموزش ببینند. پرورش روح انقلابی "در کارگران با آشنائی های همه جانبه سیاسی از نظام منحط سرمایه داری، به اتکای بسیج سوسیالیستی و در جهت تعمیق و گسترش انقلاب دمکراتیک میسر است. بسیج سوسیالیستی باید ایده هائی را در میان کارگران رسوخ دهد که کارگران قادر باشند به پشتوانه آن به روابط سرمایه داری همچون یک مجموعه بهم پیوسته بنگرند و خود را بمثابة یک طبقه در مقابل طبقه سرمایه دار بشناسند و نه به عنوان گروهی در مقابل این یا آن سرمایه دار.

"راه کارگر" به کارگران "رهنمود" می دهد تا با گروگان گیری شخص سرمایه دار متشکل و آگاه شوند! "گروگان گیری را باید در خدمت قدرت بخشیدن بیشتر به شورا قرار داد. می توان کارفرما را مجبور ساخت امتیازات و اختیارات بیشتری برای شورا در جهت کنترل تولید بشناسد."

توپاماروهای شرمگین ما با گروگان گیری سرمایه دار، به شورا "قدرت" می بخشند! رسالت "قدرت بخشیدن به شورا" جای ارتقاء آگاهی و تشکل پرولتاریا را می گیرد. جوهر و اساس وظایف پیشرو در ارتقاء دادن سطح مبارزاتی پرولتاریا یعنی در ارتقاء آگاهی و تشکل پرولتاریائی است. بیشتی که این وظیفه محوری کمونیست ها را تحت الشعاع "رسالت هائی" چون "قدرت بخشیدن به شورا" و... قرار داد، قادر نیست

# گزارشی از دوشب آماده باش ضد کودتا باید دنیا خاست! برای به زانو در آوردن امپریالیسم یک دنیا کار وجود دارد

ساعت ۱ و ۱۵ نشان می دهد شهر زیر چادر سیاه شب به غلغله فرو می رود، روز پرهیزی محله جای خود را به آوازی نیمه شب می سپارد تنها در اتاق نشیمن، روز پر کاری داشت، خسته ام، اما باز باید کار کنم " کار " را می خوانم. تیزتر سرمه لاش نظرم را به خود جلب کرده است: برای به زانو در آوردن امپریالیسم یک دنیا کار وجود دارد. به فکر فرو می روم: "به راستی برای به زانو در آوردن امپریالیسم یک دنیا کار وجود دارد. اوضاع حساسی است. این روزها بخصوصی سعی می کنم چریکات مربوط به ضد انقلاب را موبو دنبال کنم. موضوع بیش از اندازه جدی است. سرنوشت هر آنچه که مردم بعد از سالها مبارزه به دست آورده اند، سرنوشت همه فدائیکاریهایی که در جریان انقلاب از خود نشان داده اند، مطرح است. موضوع بیش از اندازه جدی است..."

بشیشانی از ارتش به چند نقطه شهر حمله کنند و بعد برخی پادگان های دیگر و نیروهای متشکل ضد انقلاب به دنبال آنها حرکت را ادامه دهند. بحث بر سر این است که: "چه باید کرد؟" یکی از رفقا می پرسد: "سازمان خبر داره؟" دیگری جواب می دهد: "اگر خبر داشت حتما اعلامیه ای، اطلاعیه ای صادر می کرد. همه می پرسند که آیا سازمان خبر داره؟ باید هر طور هست راهی برای ارتباط با سازمان پیدا کنیم. این اولین وظیفه ای است که خود سازمان هم در رهنمودهایش دربرابر هواداران قرار داده است. همه به دنبال راهی هستیم که با سازمان تماس بگیریم. اما کی چیزی به نظرش نمی رسد، قرار می شود که هرکاری از دستمان برمی آید انجام دهیم یکی از رفقا پیشنهاد می کند: "باید به بی بی آرگان های دولتی خبر بدهیم من و احمد این وظیفه را برعهده می گیریم. ضمن اینکه ما این کار را انجام می دهیم، بقیه رفقا هم راجع به کارهای دیگری که در حد امکانات است، فکر می کنند و برنامه های می ریزند. با احمد از خانه خارج می شویم. باید تلفنی پیدا کنیم. شب به نظرم مریز می آید. احساس می کنم در تاریکی چیزهایی می گذرد که نمی توانم ببینم. احساس می کنم یک ثانیه هم نباید از دور و برم غافل باشم. دلم می خواهد فریاد بزنم، همه را از خانه ها بیرون بکشم و با همه در میان بگذارم که: "امشب را باید بیدار ماند! این روزها و شبها را باید بیدار ماند! دشمن مردم برنامه های دارد! مردم همه باید آماده باشند!"

شهادت، هنوز استقلال، کار، مسکن و آزادی تحقق نیافته. اما مردم طعم سلطه آمریکا و رژیم دست نشانده اش را چشیده اند. آنها طعم دیکتاتوری شاه را چشیده اند و اجازه نخواهند داد که تیره این همه مبارزه و از جان گذشتگی پایمال شود. مردم الان هر روز بیشتر و بازم بیشتر می فهمند که باید به مبارزه ادامه داد. باید مبارزه را تا نابودی جامه سرمایه داری که سرچشمه دردها است، ادامه داد و آن را باید پایگاه داخلی امپریالیسم، سرمایه داران و زمین داران بزرگ را نابود کرد. آن وقت همه چیز درست خواهد شد. آری! آتش نفرت از امپریالیسم و از سرمایه داری در سینه مردم زبانه می کشد. اگر اتفاقی بیفتد، آنها حتما جواب دندان شکنی به این مزدوران خواهند داد... حتما جواب دندان شکنی به این مزدوران خواهند داد... اما برای این کار باید آنها را مسلح

چریکهای فدائیان خلق (اکثریت) هستیم. خبرهایی که به شما دادیم، از کانال موثقی به دست ما رسیده است. به محض آنکه می فهمد هوادار هستیم، با لحنی زنده می گوید: "این را خودمان هم می دانیم. حتما قضایای تکمیل و... گوشه را می گذارد. این رفتار غیر مسئولانه، این حرکت سراپا توهمین به سرنوشت مردم و مبارزات آنها، احمد را به شدت می کشد. او زیر لب می غرید: نمی فهمند، نمی فهمند، اصلا فکر نمی کنند که اگر خبری بشود، امشب باید در یک جبهه در کنارهم بجنگیم اصلا اهمیت نمی دهند که در این لحظات سرنوشت ساز، دیگر جای این برخوردها نیست" او که بازو. باز در این لحظه هم همچون هر انقلابی گویست، به سرنوشت انقلاب می اندیشد، خشم

دختر فردا توجیه شوند و اصل های مناسب برای عطیات از فردا شناسایی شوند. رفقا نقشه شهر را تهیه کرده اند و اکثر نقاط حساس را که هدف اولیه ضد انقلاب هستند، را دید - تلویزیون، مراکز سیاه، پادگان ها، چهارراه های اصلی، کلاستری ها را مشخص کرده اند. قرارهای ارتباطی میان تیم ها گذاشته شده ... برای رفقا هنوز سؤالات بسیاری مطرح است. ظهور می توانیم وظیفه انقلابی خود را در این حساس ترین لحظات به بهترین شکل انجام دهیم؟ مردم را چگونه می شود سازمان داد؟ مقاومت به چه شکل خواهد بود؟ مراکز مقاومت احتمالا در کجاها خواهند بود؟ بحث و بررسی ها به اینجا می رسد که در صورت لزوم، در شرایطی که داریم باید بلافاصله به سپاه پاسداران و دیگر مراکز مقاومت تودماری که به احتمال قوی در ساجد و کمیته ها تشکیل خواهند شد رجوع کنیم و اسلحه بخواهیم باید از مردم بخواهیم که تا آخرین نفس و به اشکال مختلف به هر شکل که می توانند به مقابله با ضد انقلاب بپردازند. باید در همان لحظات اول هر حرکت ضد انقلابی را در نقطه خفه کرد، باید از مردم خواست

نفر می کردم: امشب هم مثل روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمین نابودشان خواهیم کرد! فکر می کردم: اگر جرئت کنند و دست به کودتا بزنند، مردم با همه ناراضی شان دمار از روزگار آنها در می آورند! گشت و پاسداری تا ساعت ۴ صبح ادامه داشت. قرار و مدارهایمان را تنظیم کردیم: به تمام نقاطی که رفقا هستند سر می ریزیم و مطلع می کنیم. اگر اتفاقی افتاد فوراً وارد عمل می شویم. "امکانات چاپ و تکثیر و پخشمان را باید با حداکثر ظرفیت آماده داشته باشیم. آفتاب کم کم برمی خاست، از دوردست شرقی، هزاران جویبار طلایی بر شهر می بارید و همه چیز را در شرق پیروزی خوشی بر تاریکی شب فرو می برد. تمام روز کارمان این بود که به هرکس و هرجا که می توانستیم خبر دهیم. حوالی عصر تقریباً همه خبر داشتند. هر رفیق را که می دیدی قبل از هر چیزی بحث با بحث آماده باش بود. چشم ها که با حرکت و محبت رفیقان می درخشید. احساس همیاری احساس اینار پاک و از جان گذشتگی بخاطر آرمان والای کارگران و زحمتکشان، هر در کلام که ره و بدل می شد، بوج می زد. احساس می کردی رفقا آماده اند. آری! رفقا آماده اند. باید همه آماده باشند. تمام زحمتکشان، همه آنها که ستم امپریالیسم را به جان چسبیده اند، هر آن کس که درماری کینه و دشمنی نسبت به غارت و چپاول در دل دارد، همه، همه و همه باید آماده باشند! شعارهای انقلابی در گوشمان انبلی می افکنند: ایران را گورستان آمریکا می کنیم ویتنام گواهی است... هر رفیق را که می بینی از هاشنگی و آماده باش صحبت می کند. امشب می گویند: امشب را باید پاس داد. خلق ما باردیگر گواهی تودماری بودن آمریکا خواهد شد"

تا هر دیوار، هیچ هر کوزه، و هرخانه را به سنگری برای مقاومت و سرکوب مزدوران امپریالیسم تبدیل کنند. باید که آتش سینه خلق زبانه برکشد و سرهای دشمن را در گام شعله های سرخ خویش فرو برد. خاطرات قیام پهبی چشان زنده می شود. راه - بدنان ها، لاستیک های سوخته، سنگرها و فریادها و فریادهای چهره متعجب رفیق سیادت می پیش چشان ظاهر می شود. آیا باز هم شهید و شهیدای دیگر... آنتب تا صبح بیدار ماندیم. رفقا به نوبت بیرون می رفتند و گشت می زدند. می خوابستیم از آخرین اخبار و حوادث مطلع می شدیم. شب زنده داری های دوران قیام برابم زنده می شود.



خود را فرو می خورد. به یک مرکز دیگر تلفن می کنیم. خیلی مودبانه با ما برخورد می کنند. وقتی خبر را می دهیم، تشکر می کنند. به خانه برمی گردیم. رفقا تا آنجا که می توانستند امکان پیدا کردن شی و وجود داشت، خبر دادند. بر اساس تجارب قیام رفقا را سازماندهی کرده اند. در تیم های ۳-۵ نفره وظایف مشخص شده است تیمی برای تهیه سلاح، گوشتی، بنزین و... تیمی برای ایجاد پایگاه، و مهندسی های خوبانی، تیمی برای ارتباط و تبلیغات و فرماندهان تیم ها مشخص شده اند. رفقا در فکر تشکیل تیم امداد هستند. قرار می شود رفقای

کرد، باید زحمتکشان را که با ذره ذره وجودشان چپاول و استثمار امپریالیسم و سرمایه داری ناپاستیم آن را لمس می کنند. سازمان داد، قصد ساخت اسلحه در اختیارشان گذاشت، آنها را تحت آموزش قرار داد و... نگاه دیگر حتما "امپریالیسم هیچ غلغله نمی تواند بکند" به باجه تلفن می رسیم. به یکی از مراکز سیاه پاسداران تلفن می ریزیم و جریان را دقیقاً همان گونه که اطلاع داشتیم، به آنها می گوئیم. از آن طرف می پرسند: شما کویستید، این اطلاعات را از کجا به دست آورده اید؟ جواب می دهیم: هواداران سازمان

به خود می آیم. کلمات "کار" از برابر چشمهایم رژه می روند: "برای به زانو در آوردن امپریالیسم یک دنیا کار وجود دارد" باید هشیار بود. باید به میان مردم رفت. باید خطر آمریکا و متحدان داخلی آن را آنگونه که واقعا هست، در میان گذاشت. باید دلاوری های روزهای قیام را در خاطرهای تجدید کرد که چگونه دست در دست، همه با هم مبارزه کردیم، تا آخرین نفس جنگیدیم و بعد... مانع اول رژیم شاه را از سر راه برداشتیم. باید به میان مردم رفت. باید با آنها صحبت کرد که چرا هنوز هم "نوبت امریکا است" باید برای مردم روشن ساخت که چگونه امریکا قصد دارد از تاراجی مردم به نفع خودش استفاده... رنگ در به صدا درمی آید. احمد است. سراسیمه! لاش نشان می دهد که شهرهایی در کار است. با جمله می گوید: "زود راه بیفت بریم خونه علی. رفقا اونجا چهند." ضمن راه می فهمیم که: "گویا امشب قراره کودتا بشه" احساس خاصی به من دست می دهد و بیانم برایم شکل است. نگرانی تمام وجودم را فرا می گیرد. نگرانی برای مردم، نگرانی برای زحمتی که تا بحال متحمل شده اند، نگرانی برای همه آن چیزهایی که بخاطر انقلاب فدا کرده اند، نگرانی برای شرات خون آن همه شهید... نمی دانیم چیست! اما احساس خاصی است. احساس اینکه باید هرچه زودتر کاری کرد. باید همه چیز را فهمید و نگاه به همه خبر داد. به خانه علی می رسیم. همه هستند. بحث بر سر این است که امشب یا فردا شب احتمالاً جریانهای به وقوع می پیوندد. خبرهایی موثقی رسیده است که قیام قرار است امشب یا فردا شب در پادگان لویزان خورش شود.



نقشه از صفحه ۲

## بمناسبت ۹ شهریور سالروز مرگ فرزندان کار...

می کند و همواره زندگی خواهد کرد. امروز بدون تردید معلمین و دانش آموزان انقلابی که مورد حمایت مردم آگاه ایران اند، اجازه نخواهند داد که باریگر سانسور و تفتیش عقاید در مدارس بزرگوار شود. آنها لحظه ای از تلاش در بردن آگاهی و روحیه انقلابی به میان ندهند. دانش آموز، درجهت مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا باز نخواهند ایستاد. آنها هرگز فراموش نخواهند کرد که راه صمد راه ماست

و همه دستگاه های رژیم شاه هرگز نتوانستند از اشاعه پیام انقلابی صمد که همه را به مبارزه در راه آزادی و استقلال و رهائی زحمتکشان فرا می خواند، جلوگیری کند. امروز رفیق صمد در تکتک دهها هزار معلم و دانش آموزی که در راه استقلال و آزادی ایران و رهائی زحمتکشان پیگار می کنند و علیرغم همه تبعیضات و تصفیه های جمهوری اسلامی ایران لحظه ای از مبارزه در راه آگاه ساختن مردم و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران دست بر نمی دارند، زندگی

شهرها و روستاها، هدایت و سازماندهی آنان درجهت مبارزه با امپریالیسم و دیکتاتوری در دوران قیام شکوهمند توده ها، به خوبی اهمیت برجسته توده معلمین زحمتکش و آگاه را در مبارزه خلق ما علیه امپریالیسم جهانی نشان داد. پس از مرگ صمد، رژیم شاه کوشید از نفوذ آثار و اندیشه های انقلابی او که هزاران معلم، دانش آموز و روشنفکر مبارز میهن در چهار گوشه ایران حامل و مبلغ آن بودند، جلوگیری کند. اما آن چنان که سرشت تفکر و اندیشه انقلابی است، ساواک

## بازرهنمودهای اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا شوراها دهقانی ترکمن صحرا؛ ۱۱۰ هزارتن از ۳۱۱ هزارتن گندم خریداری دولت را تولید کردند

کوشش را برای افزایش تولید به عمل آورند. باروری بی سابقه کشت شوری در ترکمن صحرا تنها موردی نیست که قدرت و توان بیکران و سازنده شوراها مردمی را نشان می دهد. در عرصه جنبش کارگری ایران نیز ما شاهد بوده ایم که آنجا که شوراها واقعی کارگری حاکم بودند، کارگران قهرمان ایران با به راه انداختن واحدهای تولیدی و افزایش بهره وری در واحدها، در شرایط توطئه چینی سرمایه داران وابسته داخلی و امپریالیسم آمریکا چگونه عملاً در این جبهه نیز به مقابله با امپریالیسم آمریکا برخاستند. علیرغم این نقش سازنده و با اهمیت شوراها در پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی شاهدهیم که چگونه حکم معروف رئیس جمهور: "شورا بی شورا" رسمیت قانونی یافته است.

روزنامه های صبح و عصر شنبه و یکشنبه از قول خبرگزاری پارس، خبری را به چاپ رساندند که بیش از هر چیز نشان دهنده درستی اقدامات و برنامه های است که از طرف سازمان ما برای تحقق استقلال، کار، مسکن و آزادی ارائه شده است. هادی موتنی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان مرکزی تعاون روستائی اعلام کرد که:

"خرید گندم مازاد بر احتیاج از کشاورزان از مرز ۳۰۰ هزار تن گذشت کشاورزان گند و گران با رقمی در حدود ۱۱۰ هزار و ۶۱ تن بیشترین گندم را به دولت فروختند." پیروزی درخشان شوراها مردمی ترکمن صحرا در عرصه تولید گندم، علیرغم کارشکنی ها و توطئه های که توسط جمهوری اسلامی ایران علیه آنان سازمان داده شد، پیروزی بزرگ زحمتکشان بر کسانی است که اعتقادی به قدرت توده ها ندارند.

شوراهای جوان و نوپا اما متحد و یکپارچه ترکمن صحرا در اولین گاشت و برداشت جمعی و شوری خود نشان دادند که زمانی که "زمین از آن کسانی باشد که بر روی آن کار می کنند"، قدرت خلافت و ابتکار توده ای در نامساعدترین شرایط قادر است که درجهت نابودی فقر و گرسنگی گام های استوار و بلندی به پیش بردارد.

اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا، که رهبری شوراها دهقانی ترکمن صحرا را در دست دارد، طی رهنمودهای مشخصی در طول گاشت و برداشت محصول، به منظور درهم شکستن محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا از دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا که در شوراها متشکلند خواسته بود که بیشترین

سراسر وجودت را با گرمای هستی بخش می آکند. آری! بسیاری در آماده باش به سر می برند. بسیاری آماده اند. قلبت بزرگ، بزرگ و بازم بزرگ می شود و همه دنیا را در خود جای می دهد. در زندگی هر کمونیست لحظاتی است که هیچگاه از خاطر محو نخواهد شد. این درست چنین لحظه ای است. دیگر مثل شب قبل نگران نیستیم. پاسداران هم در جریانند، تعداد زیادی شان در رفت و آمدند. خیلی ها آماده اند. احساس می کنی جو بیار گرمی بخشی از قلبت سرریز می کند.

بسیاری دستور آماده باش گرفتارند. دو به دو، سه به سه قدم می زنند. جایجا ایستاده اند و صحبت می کنند خیلی ها آماده اند، گام های محکم شان استواری عزم آنها را برای مقاومت نشان می دهد و صحبت شان همان طرح و برنامه ای است که باید در صورت لزوم در پیش گیرند. خیلی ها آماده اند جو بیار گرمی بخشی از قلبت سرریز می کند، مسیر رگهایت را یک به یک می پیماید و سراسر وجودت را با گرمای هستی بخش می آکند.

صبح می رسد. اما خبری نیست. تقریباً مطمئنیم که جریانات به خوبی پایان یافته است. ضد انقلاب این بار هم موفق نشد کاری صورت دهد و چه بسا به خاطر هشیاری و آمادگی مردم جرئت نکرد دست از پا خلا کند. به خانه بازمی گردیم.

بقیه از صفحه ۱۲

## باید بیاخاست! برای به زانو درآوردن...

آنها، با ایمان به انرژی و خلاقیت انقلابی شان شعله و تر ساخت. آری! مهم تر از آمادگی هم حتی، هرچه سوزان تر کردن شعله های نفرت زندگی بخشی است که در سینه مردم زمانه می کشد. باید که دم سوزان این شعله جهان را به گرمی آورد و دم سوزان آتش نفرت از امپریالیسم را باید با افزایش آگاهی های سیاسی شعله و تر سازیم.

شب خوابیده ایم اما یک ذره هم احساس خستگی نمی کنیم. درست مثل روزهای قیام. همان احساسی را دارم که فرادای همان شب، شبی که جلوی دانشگاه پاس می دادم و با ناپاوری تدارک قیام را پیش چشم می دیدم: آمدنها رفتن ها، کیسه های شن، سنگرها، انسان های از جان گذشته، آن پیژرن که با چوبی در دست در دل شب به دنبال دشمن می گشت و... پیرومردی که با چاقوی نیمه عتیقش به جمع یاران پیوسته بود. یک ذره هم احساس خستگی نمی کنم. درست مثل روزهای قیام.

احمد می گوید: "می دانی؟ این مرتبه خبری نشد ولی حتماً بعدها خبرهایی خواهد شد. در تهران یا خوزستان یا جای دیگر؟ نمی دانم! این بار آمادگی ما بد نبود. خیلی ها خبر داشتند. خیلی ها بیدار مانده بودند، اما مهم تر از این آمادگی، به نظر من پیشگیری از حرکت است. مهم تر از همه چیز این است که دشمن را قبل از اینکه مجال حرکت پیدا کند، درهم بشکنیم"

... از پنجره بیرون را نگاه می کنم... سرخی شفق شب را به غرب می راند... خاطره روزهای قیام، خاطره دوشب آماده باش، صحبت های رفقا، مردمی که در کوچه و خیابان می گشتند گام های استوار، کپه های صحبت... همه در ذهنم مرور می شوند... "کار" را برمی دارم. با نگاه کلماتش را می بلعم.

... به میان مردم بروید و به آنها بگوئید که ریشه های واقعی نارسائی های کنونی در چیست... نشریات سازمان را در سطحی هرچه وسیع تر به دست توده ها برسانید و در سازماندهی مبارزات مردم فعالانه شرکت کنید...

نگاه بر تیتیر مقاله ثابت می ماند: "برای به زانو درآوردن امپریالیسم یک دنیا کار وجود دارد".... برمی خیزم... باید برخاست برای به زانو درآوردن امپریالیسم یک دنیا کار وجود دارد... ☆

# بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

بقیه از صفحه ۱۱

### تاکتیک

مفهوم بسیج سوسیالیستی پرولتاریا را درک کند. قدرت به اعتبار ارتقاء آگاهی و تشکل توده‌ها، اعتماد آگاهانه‌شان به پیشروانشان و تمرکز اراده آگاهانه توده‌ها در تشکل‌های واقعی‌شان و تنها و تنها از طریق کاریست خلاق تاکتیک‌های واقعا پرولتاری مرسوم می‌یابد. گرفتن اختیارات و امتیازات بیشتر در یک واحد تولیدی، اولاً به درجه آگاهی و تشکل طبقاتی کارگران هرواحد بستگی دارد و برخلاف رهنمودهای "راه کارگر" توسل به گروگان‌گیری و اساساً نیاز به استفاده از آن، بیش از آنکه بیانگر قدرت کارگران باشد، بیانگر رشد نایافتگی تشکل و آگاهی کارگران است. ثانیاً مسئله گروگان‌گیری به عنوان یک اقدام سیاسی - اقتصادی به جو سیاسی کلی جامعه و سطح عمومی مبارزات کارگران نیز بستگی دارد. پیشرو اگر خود را در چهارچوب وضعیت یک کارخانه و حتی یک منطقه کارگری محدود سازد، و به رهنمود "راه

کارگری‌ها" عمل کند، نه پیشرو بلکه عقب‌مانده‌ای است که می‌خواهد از فراز همه" ایستگاه‌های بین راه" به یکباره گذر کند. سرانجام "راه‌کارگر" با منطقی منکی بر اگرها و اماهای بسیار، تمام‌سعی‌اش را در این مقاله مصروف آن می‌کند که تاکتیک توپاماروئی "هجوم به موجودیت و هستی سرمایه‌دار، به‌منظور امتیاز گرفتن از او و قدرت‌بخشیدن به شورا" را به عنوان یک تاکتیک تکامل‌یافته پرولتاری به پرولتاریا تقدیم کند. سرانجام مقاله با این رهنمودها که رسالتش هرچه مغشوش‌تر کردن اذهان طبقه کارگر است) به پایان می‌رسد و حجت را تمام می‌کند: "گروگان‌گیری در عین حال که می‌تواند تعرض کارگران را به نمایش بگذارد، تعرضی که درواقع به نوعی عدم پذیرش مناسبات بین کار و سرمایه را نشان می‌دهد، درواقع به‌عنوان یک انحراف اجباری از کانال‌ها و اشکال اصلی مبارزه نیز محسوب می‌شود." اعتراف فوق به روشن‌ترین وجهی بنیان‌های تفکر تئوری‌بافان "راه‌کارگر" را برملا می‌کند. "راه‌کارگر" می‌گوید گروگان‌گیری یک "انحراف اجباری" است! چه الزامی در کار است که پیشرو باید از تعمیم دادن یک "انحراف اجباری"

در جنبش کارگری، "تاکتیک پرولتاری" بیرون کشد؟ راست این است که روشنفکران خرده‌بورژوا که مارکسیسم-لنینیسم را تاحد زیور تفکرات مغشوش خود تنزل می‌دهند، زیر فشار تعلقات طبقاتی خویش اجبار دارند که سازمانگر انحرافات جنبش کارگری باشند. غیر از این هیچ اجباری در کار نیست. چه "اهمیت عمل مستقیم توده‌ها، تنها در نتایج و ثمرات بلاواسطه آن نیست" بلکه عمدتاً در آن است که می‌توان بر اساس آن کارگران را بسیج و متشکل کرد. انگلس جقدر دقیق جوهر تفکراتی از قماش "راه‌کارگر" را توصیف کرده‌است: "ناشکیبائی ساده‌انگارانه‌ای که خود را به‌جای منطق تئوریک جا می‌زند."

(برنامه‌کموناردهای انقلابی) درسهای جنبش کارگری با شناختن انحرافات که گریبانگیر جنبش کمونیستی ایران است و مرزبندی دقیق انقلابیون کمونیست با این انحرافات غنی‌تر می‌شود چه کمونیست‌ها موظفاند زرادخانه پرولتاریای انقلابی را از سلاح‌های زنگ‌زده بروبند و نیروی رزمنده پرولتاریا را پیشاپیش همه نیروهای انقلابی برای واردآوردن ضربه قطعی به امپریالیسم بسیج کنند.

### گرانی دردی درمان سرمایه‌داری

### تأثیر بودجه

بقیه از صفحه ۵

جاری و ۲۷٪ بودجه) بخش عمده‌ای از این رقم حقوق و مزایای افسران ارتش و ژاندارمری و شهربانی است که جز تعدادی از "دیوران" ارشد که از کار برکنار شده‌اند و سربازان و درجه‌داران جزء که می‌حقوق نمی‌گیرند و یا حقوقی ناچیز دریافت می‌کنند، بقیه هنوز حقوق‌های کلان می‌گیرند و طبق قانونی که در زمان دولت وابسته شاه از تصویب گذرانده شد، از پرداخت مالیات معافند. اما گویا هیچ‌یک از دولتیان به این موضوع توجه ندرند و حتی اضافه حقوق‌های کلان برای عملیات نظامی آنها منظور می‌دارند. کاسه ر کوزه کسری بودجه دولت (که در زیر بدان خواهیم پرداخت) بر سر کارمندان جزء و مستخدمین زحمتکشی شکسته می‌شود که در دوران پیش از قیام نیز در تنگدستی و نحت ستم زندگی می‌گذرانند و در انقلاب شکوهمند خلقمان نیز نقشی بزرگ ایفاء کردند. در حالی که ارتش و ژاندارمری و شهربانی به خیل عظیم نیروهای خود می‌افزاید، آموزش و پرورش کمبود معلم برای فرزندان کارگران و زحمتکش را با کمبود بودجه توجیه می‌کند و بانیان "انقلاب

فرهنگی" که چندصد هزار نفر دانشجو را از تحصیل واداشته‌اند و تعدادی چندبرابر آنها را در پشت درهای دانشگاه‌ها نگه داشته‌اند سیاست تخریب فرهنگی خود را با ادعا در صرفه‌جویی در بودجه دولت چاشنی می‌کنند. تنها ۳۶٪ از بودجه دولت به امور عمرانی تخصیص داده شده‌است و این مقدار نیز همچنان که گفتیم مبتنی بر هیچ‌گونه برنامه‌های منسجم و اساسی برای بازسازی اقتصاد ایران در جهت قطع وابستگی و براندازی اقتصاد سرمایه‌داری وابسته نیست. می‌توان انتظار داشت که در سال جاری نیز بودجه عمرانی دولت، مانند سال گذشته به‌طور کامل تحقق نپذیرد.

### کسری بودجه ۱۳۵۹

در بودجه مصوب ۱۳۵۹ در حدود ۴۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه پیش‌بینی شده است. اما کسری واقعی بودجه چندبرابر این رقم است. زیان شرکت‌ها و بانک‌های ملی‌شده، وام‌های سررسیده بانک مرکزی و اقلامی دیگر، کسری بودجه را به مبلغی حدود چهاربرابر رقم بالا می‌رساند. تأثیر چنین کسری عظیمی در بودجه دولت بر تورم روزافزون اقتصاد میهن ما به‌حدی زیاد است که نمی‌توان ابعاد آن را تصور کرد. اما اتکای بودجه دولت بر درآمد صادرات نفت خام که خریدار اصلی آن شرکت‌های انحصاری امپریالیستی بوده‌اند، آینده را نگران‌کننده‌تر

از آنچه در بالا گفتیم نشان می‌دهد. تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، که سیاستی درجهت به‌زاندورآوردن مبارزات ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکش ایران است، باعث کاهش شدید در درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام شده‌است. بودجه دولت با احتساب درآمد حاصل از صادرات روزانه ۲ میلیون بشکه نفت تدارک دیده شده است. اما در ماه‌های گذشته (از اردیبهشت تاکنون) صادرات نفت خام کمتر از یک میلیون بشکه در روز بوده است. بدیهی است چنین کاهش در درآمد دولت، افزایش عظیم در کسری بودجه و مضعفای عمده در امکانات ارزی کشور برای خرید کالاهای خارجی به وجود خواهد آورد. این وضع تجلی عریان وابستگی اقتصاد میهن ما به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاست. همچنان که در گذشته گفته‌ایم، قطع سلطه امپریالیسم، با اتکای بودجه دولت به فروش نفت خام، به انحصارات امپریالیستی نه‌تنها سازگاری ندارد بلکه مستقیماً با آن در تضاد است.

۱۸ ماه از قیام خونین و پرشکوه بهمن ۵۷ می‌گذرد. حکومت جمهوری اسلامی در این مدت بجای آنکه از فرصت طلایی بهره گیرد و با اتکاء به نیروی بنیانگر و سازنده مردم میهن ما اساس اقتصادی شوکان را درجهت مقابله با وابستگی پایریزد، با ندانم‌کاری و بی‌توجهی به خواست توده‌های محروم و زحمتکش انقلابی با وصله پینه کردن سرمایه‌داری وابسته و بحران زده اقتصاد میهن ما، وقت‌گذرانی کرده‌است.

بقیه از صفحه ۷

### بجای تحکیم شوراهای

داشته باشند که چیزی جز حکم انحلال شوراهایشان نیست؟! کارگران و دیگر کارکنان زحمتکش واحدهای تولیدی نه‌تنها نمی‌توانند برچین قانونی مهر، تأیید بگذارند بلکه با تمام قوا ماهیت این‌گونه قوانین ضدکارگری و ضدشورائی را بیش از پیش و قاطعانه افشاء می‌کنند. کارگران باید صفوف خود را در شوراها فشرده‌تر سازند و از سنگر ضد

امپریالیستی شورا در مقابل تهاجمات ضدشورائی و ضدکارگری که اینک در زیر لوای "قانون" انجام می‌گیرد، دفاع کنند. کارگران مبارز و آگاه موظف‌اند با تأکید بر ضرورت دفاع از دستاوردهای انقلابی، توطئه انحلال تشکل‌های توده‌ای کارگران و زحمتکش را بیش از پیش افشاء نموده و سنگر شوراها را تحکیم نمایند. نمایندگان مبارز شوراها باید اعتراضات و واکنش‌های توده کارگران علیه قانون جدید را به اعتراضات انقلابی هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای تبدیل کنند و با پشتوانه این مقاومت یکپارچه، مجلس شورای اسلامی را به لغو مصوبات ضدشورائی و ضدکارگری شورای انقلاب وادارند.

با توجه به آنچه گفته شد، روشن می‌شود که قانون شوراهای مصوبه شورای انقلاب چیزی جز همان شعار "شورا بی شورا"ی آقای رئیس‌جمهور نیست که به آن لباس قانونی پوشانده‌اند. این قانون، قانون برچیده‌شدن شوراهاست و حکم انحلال یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مبارزاتی کارگران و زحمتکش است. از همین رو، تاکنون با واکنش‌های اعتراضی کارگران و شوراها مواجه شده است و این در حالی است که سخنگوی وزارت کار به هنگام اعلام تصویب این قانون عوام‌فریبانه ادعا می‌کند که "قانون شوراها دربی نظرخواهی از کارکنان و اعضای شوراهای اسلامی کارخانجات در کنار کارشناسان مسائل کار و کارگری به تصویب رسیده است." چگونه ممکن است کارکنان و اعضای شوراهای اسلامی کارخانجات در تدوین قانونی شرکت



مدتی است که کارخانجات نساجی و بافندگی با کمبود مواد اولیه (نخ نایلون و الیاف مصنوعی) مواجهاند. این مواد کمیاب شده و در بازار سیاه با قیمت زیاد خرید و فروش می‌شود. این کمبود موجب کاهش سطح تولید در غالب کارخانه‌ها شده است و متعاقب آن عده‌ای از کارگران کارخانجات نساجی و بافندگی بیکار شده‌اند و تعداد زیادی از کارگران نیز در معرض بیکاری قرار گرفته‌اند. در حال حاضر متجاوز از ۱۳۰ کارخانه و کارگاه بزرگ نساجی و بافندگی که الیاف مصنوعی مصرف می‌کنند، با مشکل کمبود مواد اولیه بطور جدی دست به‌گریبانند. مواد اولیه این کارخانه‌ها را در کارخانه الیاف، که تنها کارخانه تولیدکننده الیاف مصنوعی در ایران است، تامین می‌نماید. به عبارت دیگر فعالیت‌های تولیدی ۱۳۰ کارخانه با هزاران کارگر به تولید یک کارخانه یعنی الیاف بستگی دارد.

## توطئه امپریالیستی اخلاص در تحویل مواد اولیه، کارخانجات نساجی را در خطر رکود قرار داده است

است یعنی وابستگی اش از نظر ماشین‌آلات و لوازم یدکی، حق‌الانتیاز و کارشناس، آن‌چنان جان‌شیرناپذیر و پیچیده نیست. مثلا در صنایع دارویی، وابستگی بسیار پیچیده و شدید است از مواد اولیه گرفته تا فرمول ساختن مواد و... قطع روابط به آسانی میسر نیست ولی در مورد الیاف وضع فرق می‌کند. در سال ۵۴ شرکت الیاف با رومانی هم قرار داد داشت و بخشی از مواد اولیه را از آنجا وارد می‌کرد و هنوز بطور صددرصد متکی به مواد اولیه انحصارات امپریالیستی نبود ولی در آن موقع رژیم شاه بخاطر ماموریت و وظیفه‌اش در تامین هرچه بیشتر منافع انحصارات و تحکیم پایه‌هایشان در ایران قرارداد و رابطه با شرکت‌های انحصاری فوق‌الذکر را تجدید و تحکیم کرد و در عوض قرارداد با رومانی دیگر تجدید نشد.

در شرایط کنونی نیز دلالان و مدیران لیبرال کارخانه‌ها و سرمایه‌داران لیبرال، بیش از همه از حفظ و تحکیم روابط و قراردادهای اقتصادی با انحصارات امپریالیستی، با سماعت دفاع می‌کند ولی مصالح انقلاب (و نه مصالح سرمایه‌داران لیبرال) حکم می‌کند که در وضعیت کنونی به‌عنوان اقدامی موثر و عاجل دولت جمهوری اسلامی به اتکالی شوراها کارخانه‌ها، این‌گونه شرکت‌های امپریالیستی را ملی کند و خرید مواد اولیه را خود در دست بگیرد. لغو قراردادهای اسارتبار امپریالیستی و تنظیم قراردادهای اقتصادی با ممالک مترقی یعنی همه کشورهای که به روابطشان با ایران در چهارچوب حقوق متساوی پای‌بندند، مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها را علیه امپریالیسم و متحدان داخلی‌اش تقویت خواهد کرد.

کارگران و زحمتکشان، انواع و اقسام شبکه‌های جاسوسی را نیز سازمان می‌دهند. در همین شرکت "بایر" پس از قیام بسیاری از جاسوسان و "کارشناسان" آلمانی‌اش اخراج شدند ولی دولت بازرگان و مدیریت جدید که می‌خواستند سرمایه‌داری وابسته حفظ شود و ضربه نخورد، خیلی راحت به‌دنبال یک "تلکس" از طرف "بایر" مجددا آنها را پذیرفتند و "کارشناسان" دوباره برگشتند. شرکت بایر در این تلکس گفته بود: "باید کارشناسان را به ایران برگردانید، در غیر این صورت، درباره مسائل اقتصادی و تولیدی حرفی نداریم و هرگونه صحبتی فقط در تهران و بعد از بازگشت مستشاران صورت خواهد گرفت." و دولت بازرگان در جواب گفت: "سمعا و طاعتا!" و کارشناسان بازگشتند. حال باید پرسید دولت جمهوری اسلامی چه نیازی به حفظ و تحکیم این روابط و قراردادهای امپریالیستی دارد؟ چه اجباری در کار است؟ روشن است که این نیاز، نیاز طبقه سرمایه‌دار ایران است و اگر اجباری در کار است، اجباری است که وابستگان و متحدان امپریالیسم به آن متعهدند نه کارگران و زحمتکشان. مسئله این است که وابستگی کارخانه الیاف به شرکت‌های امپریالیستی، عمدتا وابستگی در مواد اولیه

کارخانه الیاف منحصر با شرکت‌های امپریالیستی "الاید، بایر" (آلمانی و بلژیکی)، "ری. اس. ام." (هلندی) و "چوی" (ژاپنی) ارتباط دارد و از طریق آنها مواد اولیه‌اش را تامین می‌کند. در میان شرکت‌های انحصاری فوق، "بایر" با خریدن ۵۰٪ از سهام شرکت الیاف، نقش درجه اول را به عهده دارد. دولت جمهوری اسلامی ایران طی ۱۸ ماه اخیر منحصر با این شرکت‌های انحصاری امپریالیستی رابطه اقتصادی داشته و هم‌چنان این رابطه را حفظ کرده است دولت، یکسال و نیم دست روی دست گذاشته و به انتظار تامین مواد اولیه از این شرکت‌های امپریالیستی نشسته است. بدون توجه به آنکه حفظ همین روابط و قراردادهای بیش از هر چیز دیگر اقتصاد ایران را ضربه‌پذیر کرده است و کانال بازی برای وارد آمدن ضربه امپریالیسم به انقلاب ایران است. ضربه‌ای که امپریالیسم از این کانال به انقلاب ایران می‌زند، فقط در تعطیل کارخانه الیاف و بیکاری ۱۱۰۰ کارگر خلاصه نمی‌شود بلکه مسئله، تعطیل ۱۳۰ کارخانه و بیکاری هزاران کارگر است و یعنی رکود در صنایع نساجی، افزایش سریع قیمت کالاهای نساجی و تاثیر آن در گرانی کالاهای دیگر، و بطور خلاصه: تشدید بحران تورم و بیکاری است. شرکت‌های امپریالیستی علاوه بر غارت دسترنج

تولید کارخانه الیاف هم به‌نوبه خود به واردات مواد اولیه‌ای متکی است که شرکت‌های امپریالیستی تامین کننده‌اش هستند. از این‌رو کارخانه الیاف در حال حاضر از نظر مواد اولیه کاملا وابسته به انحصارات امپریالیستی یعنی شرکت‌های آلمانی، هلندی، بلژیکی و ژاپنی است. و از آنجا که انحصارات امپریالیستی نه بخاطر خلفهای زحمتکش جهان بلکه فقط و فقط بخاطر منافع انحصاری و جهان‌خواهانه‌شان است که خواهان حفظ و یا تحمیل قراردادهای و روابط اسارتبارشان هستند. وقتی که می‌بینند در یک کشور منافع‌شان خدشه‌دار می‌شود و یا آنگور که می‌خواهند تامین نمی‌گردد، به حربه‌هایی که دارند متوسل می‌شوند. یکی از مهم‌ترین و موثرترین این حربه‌ها همین فشارهای اقتصادی است (اخلال در صدور و تحویل مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های وابسته و... اختلالی که اخیرا در فعالیت‌های تولیدی کارخانجات نساجی و بافندگی ما به‌وجود آمده است، نیز ریشه در همین مسئله دارد. این مسئله علت اصلی بحران فعلی مربوط به کمبود مواد اولیه در الیاف و ۱۳۰ واحد است. ولی مشکل تنها این نیست. مشکل علاوه بر این عامل اصلی، یک عامل فرعی هم هست که تاثیرات سوء عامل اصلی را تشدید می‌کند. این مشکل چیست؟

حال باید دید علت اصلی کاهش تولید در کارخانه الیاف چیست؟ کارخانه الیاف که تولید کننده این مواد است با ۱۱۰۰ کارگر در سه شیفت بطور شبانه‌روزی کار می‌کند و تولید ماهیانه‌اش در حدود ۹۰۰-۸۰۰ تن است. مسئله و مشکل اصلی این‌است که از یک‌طرف میزان تولید کارخانه الیاف تاثیر تعیین‌کننده‌ای در تولیدات بخش عظیمی از صنایع نساجی ما دارد و از طرف دیگر کم و زیاد تولید الیاف را نه کارخانه الیاف تعیین می‌کند و نه دولت بلکه این به منافع و اراده شرکت‌های امپریالیستی بستگی دارد. به این صورت که همان‌طور که تولیدات ۱۳۰ کارخانه (از نظر مواد اولیه‌شان) به تولیدات کارخانه الیاف وابسته‌است

مرحوم آیت‌الله طالقانی هم بر آنها تاکید داشت، هستیم نظارت بر امور کارگاه‌ها و بخصوص نظارت بر مسئله اخراج و استخدام کارگران و بررسی مبالغ مربوط به صورت وضعیت و چگونگی قراردادهای، خواست کارگران است.

۳- ما کارگران شرکت آتی‌ساز خواهان اخراج کلیه نمایندگان مزدور سرسپردگان کارفرما از کارگاه هستیم.

بقیه از صفحه

توطئه‌های کارفرما و وابستگانش، طی قطعنامه‌ای حمایت قاطعانه خود را از شورا اعلام کرده و بر موارد زیر تاکید نمودند:

۱- کارفرما موظف است ابزار کار مورد نیاز کارگران را در اسرع وقت تامین نموده و

مشت داده و ضمن ابراز تنفر شدید از اقدامات توطئه‌گرانه کارفرما به افشای اسناد و مدارکی علیه کارفرما و رئیس مزدور کارگاه پرداختند. کارگران در ادامه این مبارزات افشاگرانه، جهت تحکیم شورا در برابر

ما را از هم بیپاشد. برای این منظور ابتدا مساعده کارگران را قطع کرد، سپس پرداخت بدهی‌های شرکت را متوقف نمود تا شورا را با مشکلات تولیدی و اداری مواجه سازد و فلج کند و عملا شرکت ساختمانی آتی‌ساز را به تعطیل کشاند.

کارگران برای درهم شکستن توطئه‌های ضدانقلابی و ضدشورائی کارفرما در ۴ مرداد به دعوت شورا جهت تشکیل مجمع عمومی، پاسخ

کارگران مبارز «آتی‌ساز»...



## جنبش دهقانی ایران

روستائیان «تبرته» اراک متحداً از شورای خود حمایت می‌کنند در صفحه ۱۷

بارهنمودهای اتحادیه سراسری روستایی توکمن صحرا شوراهای دهقانی توکمن صحرا:  
۱۱۰ هزار تن از ۳۱۱ هزار تن گندم خریداری دولت را تولید کردند در صفحه ۱۳

## چرا دولت

## محصولات کشاورزی «مغان» را خریداری نمی‌کند؟



را از محصولات کشاورزی کوتاه کند و به این ترتیب گام مهمی در راه مبارزه با تورم بردارد.  
دولت موظف است از طریق تامین بودجه و وسایل حمل و نقل، محصولات کشاورزان را به محض برداشت به انبارهای سیلو حمل نماید و...  
اگر همه این کارها صورت بگیرد، آنگاه بدون تردید می‌توان گفت که: "آری! زحمتکشان روستا در میهن ما می‌توانند معجزه کنند. آنها معجزه خواهند کرد. محصولات را به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش خواهند داد و محاصره اقتصادی امپریالیسم را به شکستی مفتضحانه تبدیل می‌کنند."

این کار را باید از طریق مصادره اموال زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران که همه وسایل تولید را در انحصار خود گرفته‌اند، انجام دهد. دولت موظف است که با قلع و قمع همه بزرگ مالکان شرایط مطمئنی برای کاشت و داشت و برداشت محصول توسط کشاورزان فراهم آورد و این کار باید از طریق تکیه بر نیروی خود روستائیان، روستائیان متشکل در شوراهای انجام دهد.  
دولت موظف است با سپردن کنترل امر کاشت و داشت و برداشت به شوراهای دهقانی از طریق تشکیل تعاونی‌های روستایی در تمام روستاها، دست هرگونه سلف‌خر و احتکار کننده‌ای

برطرف نمی‌کند. از طرف دیگر دولت در ازای همان بخش از محصولات نیز که با این همه تاخیر خریداری می‌کند تاکنون پولی به کشاورزان پرداخت نکرده است و این امر روستائیان را بیش از پیش در مضیقه و فشار قرار می‌دهد.  
با وجود تاخیر در پرداخت قیمت گندم‌ها و عدم خرید محصولات به قیمت مناسب دهقانان در بسیاری از موارد مجبور شده‌اند که ثمره کارشان را حتی با تحمل ضرر به محتکرین بفروشند.  
رژیم جمهوری اسلامی با چنین اعمالی انتظار دارد که کشاورزان ایران "معجزه" هم بکنند و با افزایش محصول، محاصره اقتصادی امپریالیسم را به شکستی مفتضحانه تبدیل کنند!  
آری! کشاورزان ایران معجزه خواهند کرد! آری! کشاورزان ایران با افزایش محصول محاصره اقتصادی امریکا را به شکستی مفتضحانه تبدیل خواهند کرد! اما نه با دست خالی!  
دولت موظف است وسایل کشت و کار اعم از زمین، ماشین‌آلات، بذر، کود، سم، کمک مالی و امکانات آبیاری را برای آنها فراهم آورد و

پس از درگیری‌های حاد با فئودال‌ها و مزدوران آنها، محصولات کشاورزی را نسبت به سال گذشته به نحو چشم‌گیری افزایش دهند. لیکن حال که فصل برداشت محصول به اتمام رسیده است مقامات مسئول با ناپیگیری در خرید محصولات، عملاً آنها را در معرض خطر نابودی قرار داده‌اند. هم‌اکنون محصولات منطقه مغان که آماده حمل به انبارهاست، در فضای باز - صحرا - رها شده است و هر لحظه امکان دارد بر اثر حادثه‌ای طبیعی - بارندگی و باد و غیره - و یا اعمال خرابکارانه زمین‌داران بزرگ و عوامل آنها - ایجاد آتش‌سوزی، سرقت و... - متحمل خسارات جدی بشود.  
زحمتکشان منطقه خود به خوبی این واقعیت را بیان می‌دارند وقتی که می‌گویند: "تا زمانی که محصول در صحراست نمی‌توان آن را به حساب توشه‌زمستانی گذاشت" مقامات دولتی تاکنون هیچ اقدامی در جهت حل این مشکل حیاتی در مغان یعنی یکی از حاصلخیزترین مناطق ایران به عمل نیاورده‌اند. تنها چندی پیش مقادیری گونی بین روستائیان پخش کردند که به هیچ‌وجه نیازهای آنها را

۱۹ ماه از قیام بهمین ماه می‌گذرد. در این مدت زحمتکشان روستا در سراسر میهنمان بار بیشترین فقر و گرسنگی، بیماری و بیسوادگی را بردوش کشیده‌اند. طی این مدت مبارزاتشان روز به روز گسترده‌تر و عمیق‌تر شده است. آنها با کوتاه کردن دست زمین‌داران بزرگ در بسیاری از مناطق، با تشکیل شوراهای دهقانی و کنترل امر کاشت و داشت و برداشت توسط این شوراهای موفق شده‌اند در میزان محصول افزایش چشم‌گیری پدید آورند. در بسیاری نقاط، به ویژه در توکمن صحرا، روستائیان زحمتکش در عمل نشان داده‌اند که تنها راه مقابله با تحریم اقتصادی امپریالیسم، کشت محصول تحت کنترل شوراهای توده‌ای است. مقایسه ثمرات کار کشاورزی در نقاطی نظیر توکمن صحرا که کنترل تولید به دست خود توده‌ها بوده است، با محصولات سالهای قبل این واقعیت را به خوبی نشان می‌دهد.  
نمونه‌ای از افزایش محصولات کشاورزی را می‌توان در مغان مشاهده نمود. زحمتکشان این منطقه موفق شده‌اند در جریان یک مبارزه تولیدی سرسختانه و

صحرا با تشکیل شوراهای دهقانی به کاشت و برداشت شورائی اقدام کنند زیرا تقسیم زمین به ترتیبی که خود اقدام کرده‌اند، میزان تولید را پایین می‌آورد. کاشت و برداشت شورائی به دهقانان و زحمتکشان اجازه می‌دهد که به‌انگای نیروی متحد خود محصول بیشتری برداشت کرده و گام‌های بلندتری در جهت بهبود زندگی خود بردارند.

سرمایه‌داری و زمین‌داری بزرگ است. با این همه ما به دهقانان ارچنان‌توصیه می‌کنیم که بجای قطعه‌قطعه کردن زمین همانند دهقانان توکمن

کردند. پیروزی دهقانان انقلابی "ارچنان‌توصیه" گام دیگری در جهت پیروزی نهائی کارگران و دهقانان سراسر ایران در مبارزه برای نابودی

انقلابی کلیه اراضی ارباب شامل اراضی مزروعی و باغ و قلمستان نمودند و زمین‌ها را به نسبت تعداد افراد هر خانوار و اصطلاحاً به نسبت "نفس‌کش" بین خود تقسیم

روستای ارچان‌توصیه در ۷۰ کیلومتری اراک و در بخش "شراء" واقع شده است. تا همین اواخر بیش از نیمی از اراضی روستا در اختیار جلیل‌خان بیگلرلیک، ارباب ده بوده است.  
اهالی زحمتکش ارچان‌توصیه پس از سالها مبارزه با ستم ارباب، به این نتیجه رسیدند که چاره‌ای جز مصادره اراضی او ندارند. آنها در اوایل تابستان امسال متحداً اقدام به مصادره

## دهقانان زحمتکش (ارچان‌توصیه) اراک

## متحداً اراضی ارباب را مصادره کردند

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند





## رفاه زحمتکشان تامین باید کرده

### در حالیکه

- میلیونها تن از زحمتکشان میهن از حداقل امکانات بهداشتی و درمانی برخوردار نیستند.
- میلیونها کودک میهن از فقدان امکانات آموزشی رنج میبرند.
- میلیونها تن از کشاورزان زحمتکش از داشتن بذر، کود، آب و ماشینآلات کشاورزی محروم هستند.
- میلیونها تن از زحمتکشان شهروروستا از داشتن آب و برق محروم هستند.....

چرا در بوده ۵۸ دولت جمهوری اسلامی

هزینه ارتش به تنهایی رقمی برابر با ..... ۳۷۹۶ میلیارد ریال را تشکیل میدهد؟

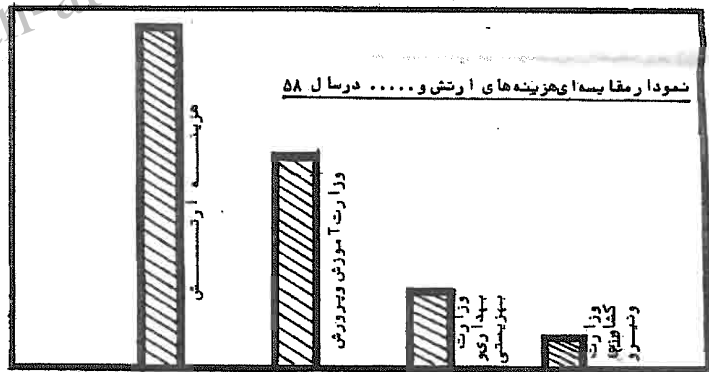
و مجموع هزینه های :

وزارت بهداشتی و بهداشتی	۸۶	میلیارد ریال
وزارت آموزش و پرورش	۲۳۵	" "
وزارت کشاورزی	۳۳	" "
وزارت نیرو	۳۵۲	" "

را تا ملینشود.

یعنی رقمی کمتر از بودجه ارتش.

آیا نباید دولت جمهوری اسلامی بودجه را در جهت رفاه زحمتکشان تغییر دهد؟



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)  
سه شنبه ۵۹/۴/۲

ت - ۳ - ۲

## روستائیان «تبرته» اراک

متحداً از شورای خود حمایت می کنند

خود روستائیان از خرمن های آنان در مقابل حملات زمین داران بزرگ و آبادی آنها حفاظت به عمل آورد. لیکن یکی از پولدارهای ده که چند نفری را دور خود جمع کرده است، همیشه در مقابل شورا مانع ایجاد

مشکلات روستائیان حرکت کرده است. از جمله با حمایت یکپارچه اهالی موفق شده است که اقداماتی در جهت ایجاد مدرسه، راهنمایی و ساختمان جاده روستا به عمل آورد و به کمک

اهالی روستای تبرته حدود دو ماه قبل با انتخاب ۵ نفر از میان خود به عنوان شوری خود را تشکیل دادند. شورا در مدت کوتاه حیات خود فعالانه در جهت رفع

## عکس و مشخصات

ساواکی ها و مزدوران شناخته شده

امپریالیسم را انتشار دهید

افترا و تبلیغات کینه توزانه جمهوری اسلامی ایران مواجه شد و آنها بدین سان بخاطر دشمنی شان با انقلابیون کمونیست عملاً به دفاع از ساواکی ها و مزدوران پرداختند. اکنون که خطر توطئه های امپریالیستی جدی تر از هر زمان مبارزات توده های مردم را تهدید می کند و وقایع اخیر گوشه هایی از ابعاد خطر را به نمایش گذاشته است، جمهوری اسلامی ایران نزدیک به یکسال و نیم پس از همدارها و افشاکاری های مکرر سازمان های انقلابی به این نتیجه رسیده است که:

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا فعالیت های خود را علیه انقلاب زحمتکشان ایران بطور وسیعی گسترش داده است. امپریالیسم در پیش بردن سیاست ضد مردمی خود بر عوامل مختلفی تکیه دارد، سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ، امرای ارتش، افراد فراری ساواک و... عاملین و همکاران داخلی امپریالیست ها در پیشبرد سیاست های ضد انقلابی آنها می باشند. اکنون عوامل دستگاه ضد خلقی ساواک و دیگر مزدوران فراری (به عنوان بخشی از پایگاه مستقیم و فعال امپریالیسم) به فعالیت ها و توطئه های خود علیه زحمتکشان ادامه می دهند. آنها در سازمان دادن حرکات خرابکارانه و متشکل ساختن عناصر ضد انقلابی ناراضی، نقش مهمی ایفاء می کنند. رژیم جمهوری اسلامی ایران که علیرغم همه همدارها و اعتراضات مردم آگاه و نیروهای انقلابی سیاست سازشکارانه ای در برابر آنها اتخاذ کرده، با عفو بسیاری از این مزدوران عملاً به گسترش و فعال ساختن شبکه های ضد انقلابی علیه زحمتکشان کمک کرد. نیروهای انقلابی بارها و بارها از خطری که از جانب این عناصر ضد انقلابی مبارزات توده های مردم را تهدید می کند، هشدار دادند، سازمان ما، عفو آنها را عملی در خدمت امپریالیسم و تقویت این عناصر ضد انقلابی دانست. اما هربار افشاکاری انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای انقلابی با موجی از تهمت و

این غفو برخفا واقع شد... ما بار دیگر تاکید می کنیم که برای ضربه زدن و درهم شکستن شبکه های ضد انقلابی که در سراسر میهن ما گسترده شده است، باید از توده های مردم یاری جست. جمهوری اسلامی ایران اکنون اگر واقعا به ابعاد خطای خود پی برده است، باید مشخصات کامل از قبیل عکس، اسامی واقعی و مستعار، شماره رمز و... ساواکی ها و دیگر عناصر مزدور را منتشر کند. انتشار مشخصات عناصر مزدور و فراری، بخصوص پخش عکس های مختلف آنان (و اطلاعات دیگری که در اختیار است) موجب آن خواهد شد که مردم انقلابی ایران بتوانند آنان را شناسایی و دستگیر سازند. دستگیری مزدوران فراری امپریالیسم و درهم شکستن شبکه های ارتباطی آنها تنها با بسیج و شرکت فعالانه توده های مردم در این امر، امکان پذیر خواهد بود.

می کند. این فرد را همه روستائیان به خوبی می شناسند و می دانند که چگونه سابقاً دهقانان زحمتکش را سرکشی می کردند. از همین رو اهالی روستا مصمم اند که با وحدت



## کمکهای مالی دریافت شده

قابل توجه رفقا:

\* با توجه به این که گاهی فاصله زمانی ارسال کمک مالی از جانب شما و تنظیم و چاپ "کد+مبلغ" به دو یا سه هفته می کشد، در صورت چاپ نشدن "کد + مبلغ" خود بعد از سه هفته در این مورد تذکر دهید:

\* به هنگام ارسال کمک مالی خود تاریخ تحویل آن را نیز همراه با "کد + مبلغ" برای سازمان بفرستید.

\* در فهرست کمکهای مالی دریافت شده، کد کمکهای مالی شاخه های سازمان نیز درج گردیده است.

الف و ت	ح	ج	ب	د	ز	پ	ث	ع	ق	ک	ن	ل	م	س	ه	و	ی	ط	ی	ر	ش	خ	ص	ذ	ز	ح	ط	ی	ن	
۲۱۰۰	۱۵۲۲۹	۱۰۳۲	۲۱۱۹	۳۱۱۹	۱۱۳۵	۵۰۰۰	۳۰۲۶	۲۶۱۰	۱۰۲۲	۲۶۱۰	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲	۱۰۲۲

## در حاشیه مناظره تلویزیونی درباره سود ویژه (( نظریک کارگر ))

وزیرکار در مناظره دوم، سود ویژه پرداختی در رشته های تولیدی مختلف را در سال ۵۸ چنین ارزیابی کرد:

- نساجی ۴۲۱۰
- کشاورزی ۲۸۰۰
- شیمیائی ۵۲۰۰
- ساختمانی ۵۴۵۷
- صنایع فلزی ۶۰۰۰
- سیمان ۸۰۰۰

و چنین نتیجه گرفت که متوسط سود پرداختی در سال ۵۸ نسبت به پرداخت های فوق، ۶۰۰۰/۶۵۰۰ تومان شده است و این به نفع ۸۰٪ کارگران است.

نمایندگان کارگران به این نکته توجه نکردند که این نه تنها به سود ۸۰٪ کارگران نیست بلکه صد درصد به نفع سرمایه داران است. چرا که تا قبل از قانون جدید شورای انقلاب، علاوه بر سود ویژه معمولاً یک ماه حقوق به عنوان عیدی به کارگران پرداخت می شد که ۵۰٪ بیشتر از مبلغ ذکر شده توسط وزیر کار بود. آیا این به نفع کارگران است یا سرمایه داران؟!

## دروغ پردازی و توطئه علیه فدائیان خلق

### بسود امپریالیسم

بقیدار صفحه ۲۰

را در اختیار داشته باشد. "خانه تیمی فدائیان" در حالی عیاس آباد تهران در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسید، اعلام می داریم که خانه مورد نظر متعلق به سازمان ما نبوده و هیچ کس از رفقای ما نیز در آنجا دستگیر نشده است. "بهرروز نابت" نیز که در این یورش دستگیر شده است، از جمله مبارزینی بوده که سالها نیز در زندان رژیم دیکتاتوری شاه بسر برده اما او هیچ گونه همکاری با سازمان ما نداشته است و این خبر جعلی بدین وسیله تکذیب می شود. جمهوری اسلامی ایران با بکار بردن واژه های نظیر "خانه های تیمی" کوش می کند تا در ذهن توده های مردم چنین وانمود سازد که این "خانه های تیمی" (و در واقع خانه های مورد سکونت انقلابیون) محل خرابکاری علیه انقلاب و ... می باشد. ما چنین تبلیغاتی و هم چنین تحت فشار گذاردن، تعقیب، دستگیری و یورش به خانه مبارزین را محکوم ساخته و آزادی فعالیت و بحث های سیاسی را (که جمهوری اسلامی حتی در خانه مردم نیز آن را تحمل نمی کند) حق تمامی مردم ایران و انقلابیون می دانیم.

۲- در مورد خبر دیگری که در ۴ شهریور مبنی بر کشف بدیهی است که این امر به هیچ عنوان به معنی وابستگی سازمانی و یا دلیلی بر ارتباط با سازمان ما نیست. هم چنین شخصی به نام "منوچهر اکبرزاده" که هیچ گونه ارتباط و وابستگی به سازمان ما نداشته است، عکس او را نیز در بالای عکس اصلی منتشر کرده بودند، بر طبق اطلاعاتی که به دست ما رسیده، حدود ۸ ماه پیش دستگیر شده است. این مسئله خود بی اساس بودن خبر فوق را روشن می کند.

مردم مینمان ما ناقص کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



# در مجلس شورای اسلامی چه می‌گذرد؟ رأی اعتماد به معین فر، رأی اعتماد به محافل لیبرال است

پس از آنهمه تبلیغات گسترده‌ای که برای "مجلس شورای اسلامی" صورت گرفت، اکنون با شروع کار و رسمیت یافتن مجلس، زحمتکشان میهن ما فرصت می‌یابند تا خود عملکردهای آن را شاهد بوده و نقش و تاثیر آن را در حل مشکلات و معضلات زندگی خود تجربه کنند چرا که عملکرد واقعی آن پیش روی توده‌هاست.

آیا واقعا آنچه مجلس می‌کند در واقع انجام خواسته‌های زحمتکشان است؟ قطعا و رای هر تبلیغاتی توده‌ها خود با ملاک قراردادن نقش و تاثیر مجلس شورا در حل مسائل و مشکلاتشان قضاوت نهائی را خواهند کرد.

ما همواره و به‌ویژه در هنگام انتخابات، هنگامی که جمهوری اسلامی ایران با توسل به انواع شیوه‌ها کوشید تا از ورود کاندیداهای سازمان‌های نیاسی انقلابی به‌درون مجلس جلوگیری کند، اعلام داشتیم:

مجلسی که نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان در آن حضور نداشته باشند، قادر به پاسخ‌گوئی به مسائل و مشکلات زحمتکشان نخواهد شد.

اکنون با بررسی مسائلی که در درون مجلس می‌گذرد؛ دلیلی است بر درستی گفتار ما و می‌تواند توده‌ها را در شناخت بیشتر نیروهای شرکت‌کننده در مجلس و چگونگی تمایلات و موضع‌گیری‌های آنها یاری رسانده و هم‌چنین نقش و مقام واقعی مجلس را در عرصه مبارزه بین توده‌های زحمتکش با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا روشن‌تر سازد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) از این شماره کوشش می‌کند کارگران و زحمتکشان را در مسیر اقدامات مجلس شورای اسلامی قرار دهد. از هر اقدامی که مجلس به‌سود زحمتکشان و در جهت پیشرفت انقلاب ایران به عمل می‌آورد، قاطعانه حمایت کند و اقدامات ناپسند آن را انتقاد کرده و به زحمتکشان نشان دهد... ما وظیفه خود می‌شناسیم هر آنچه را که در مجلس به سود مردم می‌گذرد، بیان کنیم و آنچه را که به مردم زیان می‌رساند، مورد انتقاد قرار دهیم و با آن پیگیرانه مبارزه نمائیم.

و... خواند.  
او همچون مهندس مهدی بازرگان کوشش کرد تا آنجا که می‌تواند نقش کارگران و زحمتکشان را در به ثمر رساندن انقلاب و مدافع از انقلاب مخدوش ساخته و عوامل خرابکار و ضد انقلاب توصیف نماید.

این چندان هم تعجب‌آور نیست زیرا آقای معین فر نیز مانند مهندس مهدی بازرگان خوب می‌داند آن زمان که هنوز "خرشان از پل مراد" نگذشته است، عوام فریبانه از قدرت کارگران سخن می‌گویند و زمانی که به وکالت و وزارت دست یافتند، برای تامین مافع خود از هیچ تلاشی برای سرکوب مبارزات کارگران فروگذار نکنند.

با این‌همه معین فر کوچک‌تر از آن است که بر نقش عظیم طبقه کارگر ایران و در پیشاپیش آن نقش عظیم نفتگران ایران در پیروزی انقلاب و پاسداری از دستاوردهای انقلاب پرده افکند و آن را بی‌اعتبار سازد این چندان هم تعجب‌آور نیست که معین فر درحالیکه بسیاری از مردم آگاه ایران به عملکردهای "سه‌پست‌آزادی" "جبهه ملی" و دیگر محافل سرمایه‌داران لیبرال برای بد شکست کشاندن انقلاب آگاهی یافده‌اند، از آبلان دفاع کند و به نام مردم علیه مردم، بد نام انقلاب، علیه انقلاب مردم داد سخن دهد.

بدون تردید تصویب اعتبارنامه معین فر توسط مجلس شورای اسلامی بد کارگران و در راس آن به نفتگران قهرمان اجازه می‌دهد که درک روشن‌تری از مجلس شورای اسلامی به دست آورند و اهمیت تلاشی را که سازمان‌ما برای ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر که حقیقتا بیانگر مافع آبی و آبی طبقه کارگر ایران باشد، بیش از پیش دریابند و در آن شرکت جویند، چه بدون حضور بیش‌ترین عناصر طبقه کارگر، دفاع از محافل سرمایه‌داران لیبرال، از انحلال شوراها، از چاقوکش خواندن نمایندگان کارگران مشکل نیست!

آری! زمانی که نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان در مجلس حضور ندارند، تعجبی ندارد که معین‌فرها تربیون مجلس را که باید وسیله‌ای در جهت پیشبرد قاطع مبارزه ضد امپریالیستی باشد، به دشمنی با کارگران و زحمتکشان بدل سازند و از چنین مجلسی "رای اعتماد" نیز بگیرند!

# کینه‌توزی آیت‌الله ربانی نسبت به انقلابیون...

بقیه از صفحه ۲

به علت اتحاد موضعی دشمنانه و کینه‌توزانه نسبت به انقلابیون کمونیست انقلابیونی که همه هستی خود را در راد مبارزه با دشمن اصلی همه خلفهای جهان - امپریالیسم آمریکا - سپاه‌اند، عملا به دشمنان مردم یاری می‌رسانند.

اینان در عمده کردن اختلافات عقیدتی خود با انقلابیون کمونیست تا آنجا پیش می‌روند که حتی مافع مشترکشان در مبارزه مشترک بر علیه امپریالیسم جهانی را عملا تحت‌الشعاع کینه‌توزی کور صدکومنیستی قرار می‌دهند و سیاستهایی را در پیش می‌گیرند که جر تصعیف جمهوری انقلاب و از بین بردن امکانات مساعد برای تحکیم و تعمیق دستاوردهای مبارزاتی زحمتکشان میسران سمری بسیار نمی‌آورد.

موضع صدکومنیستی آیت‌الله ربانی شیرازی در جریان درگیری‌های اخیر فارسی سوندهای از این سیاست‌های زیبار است. آیت‌الله به پاسداران منطقه که در درگیری‌هایی که در مجموع از سیاسی صدقثودالی پیروی می‌کرده‌اند ایراد می‌گیرد که:

"چرا بلافاصله بعد از صدور حکم بازداشت خوانین آنها را دستگیر کرده‌اید، اما حکم بازداشت کمونیست‌ها را که شش ماه قبل صادر شد به اجرا در نیآورده‌اید و حتی یک نفر را بازداشت ننموده‌اید"

"آیت‌الله" به این ترتیب و در واقع دستور می‌دهد که به جای سرکوبی خوانین و قبل از سرکوبی آنها انقلابیون کمونیست را که نقش فعالی در مبارزه علیه این مزدوران آمریکا ایفا کرده‌اند، دستگیر نمایند.

او در واقع و عملا به‌خاطر آنکه کمونیست‌ها را زیر ضرب قرار دهد، خوانین و سران عشایر وابسته به امپریالیسم را از ضربه نجات می‌دهد.

در رابطه با دستور "آیت‌الله" تعداد زیادی از انقلابیون کمونیست و بویژه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) دستگیر می‌شوند.

جالب این است که در دستگیری مبارزان کمونیست، این دشمنان بی‌کیر و آشتی‌ناپذیر امپریالیسم راهنمایی پاسداران را چند تن از هواداران خان‌ها به‌عهده داشتند.

"آیت‌الله" ربانی شیرازی علیرغم مواضع ضد امپریالیستی که در طول مبارزات خود ستان داده است، امروز عملا مبارزات زحمتکشان فارس را که متوجه نابودی داروئسند امریکائی "خسروخان" و "ناصرخان" فشقایی است محرف می‌کند و با تحریک احساسات مردم انقلابیون کمونیست را خطرناک‌تر از خوانین دست‌نشاده آمریکا جلوه می‌دهد.

او و عناصری نظیر او به این ترتیب در صفوف مردم شکاف می‌اندازد و نوان انقلابی آنها را که باید متوجه نابودی دشمن مشترک همه زحمتکشان جهان سعی امپریالیسم آمریکا و نادری داخلش باشد، بد هرز می‌برد.

ما ایمان داریم که زحمتکشان جامعه در جریان تحریه مقاومت قهرمانان در برابر کودتاها و عملیات نظامی مردوران امپریالیسم در مناطق مختلف میسران هر روز بیش از روز پیش به عوافب زیبار چنین سیاست‌هایی پی می‌برند و روز به روز بیشتر به حقانیت انقلابیون کمونیست در پیشبرد مبارزه صد امپریالیستی و صد سرمایه‌داری و زمینداری بزرگ آگاه می‌شوند.

ما کمونیست‌ها ایمان داریم و این واقعیت را می‌بینیم که کارگران، دهقانان، کسبه، پیشه‌وران، فرهنگیان، کارمندان، سربازان، درجه‌داران و افسران جزء بیش از پیش این واقعیت را درمی‌یابند که:

انقلابیون کمونیست دشمنان سرسخت امپریالیسم در سراسر جهان و یگانه نیرویی هستند که راه صحیح نابودی امپریالیسم را با مردم در میان می‌گذارند.

## دروغ پردازی و توطئه علیه فدائیان خلق بسود امپریالیسم است

در شرایط حساس کنونی میهنمان که دستاوردهای انقلاب مردم به گونه‌ای جدی در خطر تهاجم امپریالیسم و ابادی داخلی اش قرار گرفته است، در شرایطی که بیشترین نیازها برای ترسیم واقعی صف دوستان و دشمنان انقلاب احساس می‌شود تا بتوان زحمتکشان را در جهت مقابله با دشمنان طبقاتی‌شان بسیج کرد، در این شرایط پاره‌ای از مقاصد و روزی‌نامه‌های رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی به تلاش‌های تفاق افکنانه خود ادامه می‌دهند. آنها می‌کوشند به شیوه‌ای کودکانه فدائیان خلق را وابسته به کودتاچیان و سرمایه‌داران و عوامل فراری ساواک نشان دهند. ما بارها علیه عواقب مخرب چنین تبلیغاتی که موجب کسب حیثیت برای ضد انقلاب و منفعل شدن توده‌های مردم می‌گردد، هشدار داده‌ایم. اکنون روزنامه‌های اطلاعات،

جمهوری اسلامی و صبح آزادگان علیرغم خواست کارگران و کارکنان زحمتکش این موسسه‌ها پرچمدار این دروغ پردازی‌های مهوع شده‌اند. از جمله روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی، دو خبر دیگر از این قماش "خبرها" از قول برخی مسئولین کمیته‌ها درج کرده‌اند که ما توضیح کوتاهی را در مورد آنها ضروری می‌دانیم:

۱- در مورد خبر مندرج در اطلاعات ۲۹ مرداد مبنی بر کشف خانه تیمی فدائیان و ارتباط آنها با کودتا، برای آگاهی هم میهنان اعلام می‌داریم که آرم‌هایی که در عکس دیده می‌شود، توسط هواداران سازمان و به منظور فعالیت‌های تبلیغاتی و هم‌چنین جمع‌آوری کمکهای مالی برای پیشبرد فعالیت انقلابی سازمان تهیه می‌شده است و هرکسی می‌تواند آنها ببیند در صفحه ۱۸



بمناسبت ۹ شهریور سالروز مرگ فرزندفدا کار خلق رفیق صمد بهرنگی؛

## امروز هر معلم انقلابی «صمد» دیگری است

رفیق صمد بهرنگی کوتاه زیست اما زندگی و مرگ رفیق صمد؛ بدانگونه که بایسته هر انقلابی کمونیست است، آنچنان تاثیریری بر زندگی "دیگران" داشت که یقیناً در تاریخ چند دهه اخیر ایران بی سابقه است.

نسلی پویا و پرامید از معلمینی که در راه روشنگری و مبارزه گام نهادند و نسلی و نسل‌هایی از دانش‌آموزانی که همچون ماهیان سرخ کوچولو از جویبار کوچک در خودزیستن به دریای پرتلاطم انقلاب پیوستند، بی‌گمان در راه رفیق صمد گام نهادند. راهی که هم‌اکنون نیز پیش پای تمامی دانش‌آموزان و معلمین ایران قرار دارد.

رفیق صمد در خانواده‌ای زحمتکش در آذربایجان به دنیا آمد و پس از گذراندن دانشسرای راهنمائی، معلم روستاهای آذربایجان شد. رفیق از دوران تحصیل به فعالیت انقلابی جذب شد و تلاشی خستگی‌ناپذیر را با دیگر رفقای هم‌رزمش، بهروز دهقانی، مناف فلکی، اصغر عرب‌هریسی و علیرضا نابدل آغاز کرد. هرچند عمر کوتاه رفیق مانع از ادامه و گسترش فعالیت‌های انقلابی او شد، اما پس از مرگ او نطفه محفل انقلابی رفیق به شکوفه نشست و یاران هم‌رزمش به اتفاق دیگر رفقای فدائی، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را بنیان گذاشتند.

صمد بهرنگی نویسنده و آموزگار انقلابی، معلمی برخاسته از میان توده‌های زحمتکش میهن ما بود. صمد تجلی معلم زحمتکش و انقلابی بود. تحت تاثیر زندگی مبارزاتی و آثار درخشان رفیق، بسیاری از دانش‌آموزان و معلمین انقلابی و زحمتکش میهن ما راه او را ادامه دادند و موجی از فرهنگ انقلابی توسط چنین دانش‌آموزان و معلمین مبارزی به مدارس میهن ما راه یافت.

صمد نمونه درخشانی از معلمانی است که در سالهای سیاه خفقان و دیکتاتوری رژیم سرسپرده پهلوی، جان برکف، زبان به آگاه ساختن دانش‌آموزان و توده‌های زحمتکش ایران گشودند و دوشادوش زحمتکشان میهن ما دست در دست دانش‌آموزان در مبارزات شگوهمند خلق کبیرمان نقشی عظیم را ایفاء کردند. صمد تجلی مبارزه آموزگاران زحمتکشی است که از میان خلق زحمتکش و محروم ما

### در مجلس شورای اسلامی چه می‌گذرد؟

رای اعتماد به معین فر،  
رای اعتماد به محافل لیبرال است

در صفحه ۱۹

## کینه‌توزی آیت‌الله ربانی نسبت به انقلابیون کمونیست عملاً به جانبداری از خواتین فارس انجامیده است

خصوصت و کینه‌توزی میهن ما وارد آورده است در این میان ما شاهد آنیم که کمونیست تاکنون ضربات بزرگ بر مبارزات ضد امپریالیستی زحمتکشان

میهن ما وارد آورده است در این میان ما شاهد آنیم که چگونه عناصری از روحانیت که در طول حیات خود مواضع صدامپریالیستی داشته‌اند

بقیه در صفحه ۱۹

بقیه در صفحه ۱۳